

۱-۲: پیشینه پژوهش

هدف از بررسی پیشینه تحقیق دست یابی به دو نکته است.

۱- کنکاش پیرامون ساختار متغیرهای مورد بررسی به ویژه متغیر وابسته تحقیق یعنی سعی در شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و نهایتاً معرف‌های آن. به زبانی دیگر در این بخش ما در جستجوی فهم چرستی این متغیر هستیم و نهایتاً می‌خواهیم به روش روشنی برای سنجش آن دست یابیم.

۲- یافتن روابط بین متغیر وابسته با مجموعه متغیرهای مستقل یا به تعبیری رابطه بین مسئله تحقیق به مثابه یک پدیده اجتماعی با مجموعه متغیرهای اجتماعی که قابلیت پیش بینی آن را دارند. پس مادر واقع به دنبال «چرستی» متغیر وابسته و «چگونگی تغییرات» آن هستیم.

لذا ابتدا سیری در منابعی که به مفهوم «رضایت از زندگی» یا مفاهیم نزدیک به آن و همچنین عوامل موثر بر آن خواهیم پرداخت؛ و پس از جمع‌بندی و ارزیابی پیشینه پژوهش سعی در ارائه یک مدل تحلیلی که حکایت از شبکه روابط بین متغیرها است؛ خواهیم پرداخت و در انتهای کار فرضیه‌های تحقیق را از مدل استخراج خواهیم نمود. همچنانکه در آخر این فصل به تفصیل خواهد آمد؛ در نگاه به متغیر رضایت از زندگی دو رویکرد نظری وجود دارد: رویکرد نخست به رضایت از زندگی به مثابه یک سازه که دارای ابعادی چند است. و رویکرد دوم به رضایت از زندگی به مثابه یک متغیر بسیط.

در تنظیم پیشینه این تحقیق سعی شده است که ابتدا منابعی که نگاهشان به رضایت از زندگی به مثابه یک سازه است؛ و سپس منابعی که مربوط به رویکرد دوم است آورده شود. و در انتها نیز منابعی که یا به مفاهیم مشابه به رضایت از زندگی پرداخته اند و یا رویکردشان چندان مشخص نیست؛ ذکر گردد.

نیز پیش از ورود به این بخش به ویژه مقالات خارجی - شایسته است اصطلاحات ذیل را که در طول مقاله بارها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ معرفی نمایم:

تswls= temporal satisfaction with life scale مقیاس رضایت مقطعی از زندگی

swls= satisfaction with life scale مقیاس رضایت از زندگی

sass= self – anchoring striving scale مقیاس تلاش در جهت معرفی خود

swb= subjective well – being خوشبختی ذهنی

qol= quality of life کیفیت زندگی

شایان ذکر است مطالب داخل [] توضیحات مربوط به اینجانب می‌باشد که به منظور جلوگیری از اختلاط آنها با متن اصلی مقالات خارجی استفاده شده است.

۲-۱-۱: نگاه به رضایت از زندگی به مثابه یک سازه

۲-۱-۱-۱: ابادری (و همکاران). ۱۳۸۳

«موج دوم پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ارزشهای حول محورهای گوناگون را مورد سنجش قرار داده است. تحلیل عاملی یافته‌های مربوط به رضایت در موارد مذکور نشانگر آن است که رضایت حول سه عامل رضایت مالی، رضایت فردی و رضایت اجتماعی و سیاسی قابل طبقه بندی است:

تحلیل عامل گویه های رضایت از زندگی

۳	۲	۱	
		۰/۸۶۲	رضایت از وضع مسکن
		۰/۷۷۵	رضایت از وضع مالی
		۰/۶۰۸	رضایت از محله سکونت
	۰/۸۰۴		رضایت از خانواده
	۰/۷۳۲		رضایت از ازدواج
	۰/۶۷۰		رضایت از وضع سلامتی
۰/۸۶۵			رضایت از اوضاع سیاسی
۰/۸۴۹			رضایت از اوضاع اقتصادی

ملاحظه می شود که تحلیل عوامل نشانگر تفکیک پدیده رضایت به سه گروه اصلی رضایت مالی، رضایت فردی و رضایت اجتماعی و اقتصادی است. میانگین رضایت در سه حوزه یاد شده نشانگر آن است که رضایت در حوزه مالی کمترین میزان و رضایت در زمینه فردی بیشترین میزان را برانگیخته است: میانگین رضایت در حوزه مالی ۱/۱۵، حوزه اجتماعی ۳/۹ و در حوزه فردی ۹ است. (ص ۱۴)

الف. رضایت فردی

مقوله رضایت از سلامتی از جمله مقولاتی است که در پیمایش های گوناگون انجام پذیرفته و جدول مقایسه ای یافته ها حاکی از افزایش میزان رضایت از وضع فردی است:

مقایسه میزان رضایت از وضع سلامتی در سالهای ۱۳۸۲-۱۳۵۳

۱۳۸۲	۱۳۷۹	۱۳۷۵	۱۳۵۳	
۷/۱	۱۴/۱	۸	۶	ناراضی
۱۱/۸	۱۰/۶	۱۹/۱	۲۶	رضایت نسبی
۸۱/۱	۷۵/۳	۷۲/۸	۶۷	راضی

رضایت از وضعیت مالی بیش از سلامتی انتظار می رود که در دیدگاه فرد در خصوص وضع عمومی جامعه منشاء اثر باشد. یافته های مقایسه ای حاکی از آن هستند که در این زمینه نیز با رشد نسبی میزان رضایت مواجه بوده ایم:

مقایسه میزان رضایت از وضع مالی در سالهای ۱۳۸۲-۱۳۵۳

۱۳۸۲	۱۳۷۹	۱۳۷۵	۱۳۵۳	
۱۹/۴	۲۲	۱۱/۷	۲۰	ناراضی
۳۶/۳	۲۲/۵	۴۵/۳	۵۴	رضایت نسبی
۴۴/۳	۵۵/۴	۴۲/۶	۲۵	راضی

وضع شغلی نیز بی تردید یکی از عوامل مهم در زمینه رویکرد فرد در خصوص روند عمومی اوضاع است .

مقایسه میزان رضایت از وضع شغلی در سالهای ۱۳۵۳ ، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲

۱۳۸۲	۱۳۷۹	۱۳۵۳	
۱۸/۹	۱۸/۱	۱۶	ناراضی
۳۵/۱	۲۴/۴	۴۰	رضایت نسبی
۴۶	۵۵/۴	۳۷	راضی

داده ها حاکی از افزایش نسبی میزان رضایت از اوضاع شغلی است.^۱ (ص ۱۶-۱۴)

وضعیت اقتصادی

پرسش مستقیم در خصوص میزان رضایت از اوضاع اقتصادی در موج دوم پیمایش ارزشها و نگرش های ایرانیان انجام پذیرفته است که نتایج آن به شرح زیر است:

میزان رضایت از اوضاع اقتصادی

میزان رضایت	فراوانی نسبی
کم	۷۰/۵
تا حدودی	۲۵
زیاد	۴/۶

اوضاع سیاسی

پرسش مستقیم در باب میزان رضایت از اوضاع سیاسی که در موج دوم پیمایش انجام پذیرفته نشانگر میزان رضایت نسبی پاسخگویان است:

میزان رضایت از اوضاع سیاسی در سال ۱۳۸۲

میزان رضایت	فراوانی نسبی
کم	۳۷/۴
تا حدودی	۴۷/۲
زیاد	۱۵/۴

(ص ۱۹)

عوامل زمینه ای مؤثر بر میزان رضایت

الف. رضایت فردی

در مجموع به نظر می رسد که جنسیت و سن تا حدودی بر متغیر رضایت فردی اثر می نهند. زنان کمتر از مردان احساس رضایت می کنند و با افزایش سن بر میزان رضایت از اوضاع فردی افزوده می شود. میان متغیر تحصیلات و رضایت از اوضاع فردی نیز ارتباط مستقیمی وجود دارد. با افزایش تحصیلات رضایت از اوضاع فردی افزایش پیدا می کند.

^۱ - یافته های پژوهشی درباره اوضاع شغلی در اینجا قابل تامل است. مطابق یافته های پیمایش مذکور ۸۱/۱ درصد پاسخگویان در سال ۱۳۸۲ از وضعیت شغلی خود رضایت نسبی یا رضایت کامل داشته اند یا آیا یافته مذکور با شرایط عینی جامعه و گلابه ها و اعتراضات فراگیر مردم کوچه و بازار سازگار است؟ آیا یافته مذکور با میزان رضایت از اوضاع اقتصادی که آمار آن در ادامه آن آمده است؛ سازگار است؟!

میزان رضایت فردی به حسب تحصیلات^۲ $V = ۰/۰۶۰$ $sig = ۰/۰۰۰$ $X = ۱۳/۱۸۵$

(ص ۲۱)

ب. رضایت مالی:

در زمینه رضایت مالی، جنسیت اثر معنی داری دارد. اگر در این زمینه اوضاع مالی به نحو اعم مورد توجه قرار گیرد زنان بیش از مردان احساس رضایت از اوضاع مالی دارند.

(ص ۲۱) $X = ۴۹/۳۹۲$ $sig = ۰/۰۰۰$ $V = ۰/۱۰۴۲۱$

سطوح رضایت مالی بر حسب گروههای نسلی (پیمایش ۱۳۸۲)

سالمند	میانسال	جوان	
۲۵/۲	۲۱/۸	۱۶/۱	رضایت
۴۳/۸	۳۸/۳	۳۲/۸	رضایت نسبی
۳۱	۳۹/۳	۵۱/۱	عدم رضایت

$X = ۱۰۳/۲۷۵$ $sig = ۰/۰۰۰$ $V = ۰/۱۰۶$

سطوح رضایت فردی بر حسب گروههای تحصیلی (پیمایش ۱۳۸۲)

فوق لیسانس و دکتری	لیسانس	دیپلم و فوق دیپلم	راهنمایی و دبیرستان	ابتدایی	بی سواد	
۹/۶	۱۵/۴	۱۵/۸	۱۸/۲	۲۶/۶	۳۵/۲	رضایت
۳۰/۱	۳۳/۱	۳۵/۴	۳۶/۷	۳۰/۱	۳۶/۲	رضایت نسبی
۶۰/۲	۵۱/۵	۴۸/۷	۴۵/۱	۳۳/۳	۲۸/۷	عدم رضایت

(ص ۲۲)

اثر عامل توسعه یافتگی مناطق شهری

.... مقایسه یافته ها حاکی از آن است که در حوزه رضایت فردی چندان تفاوت معناداری میان این دو گروه از مناطق وجود ندارد به عنوان نمونه در زمینه رضایت مالی، مسکن و محله سکونت نارضایتی در مناطق توسعه نیافته اندکی بیشتر است اما این تفاوت به نحوی ضعیف معنادار است.

^۲ (مراد از «X» آماره کیدو است که صحیح آن به صورت X^2 است. اما از جهت حفظ امانت عین عبارت متن اصلی آورده شده است.

رضایت از اوضاع اقتصادی

سنجش اثر سکونت در مناطق توسعه یافته یا توسعه نیافته بر میزان رضایت از اوضاع اقتصادی از جمله محورهای مهمی است که می تواند بازنمایاننده اثر متغیر مذکور بر تلقی فرد از اوضاع عمومی باشد (ص ۲۷)

میزان رضایت از اوضاع اقتصادی بر حسب سطح توسعه یافتگی مناطق کشور (پیمایش ۱۳۸۲)

$$X = ۵۴/۹۵۴ \quad sig = ۰/۰۰۰ \quad V = ۰/۱۳۶$$

نتایج حکایت از آن دارد که میزان رضایت از اوضاع اقتصادی در مناطق توسعه نیافته در حد معناداری بالاتر است. (ص ۲۸)

رضایت از اوضاع سیاسی

آیا همراه با رضایت بیشتر از اوضاع اقتصادی در مناطق توسعه نیافته رضایت سیاسی نیز در این مناطق بیشتر است؟ در این صورت می توان میان این دو الگوی رضایت ارتباطی مستقیم را مفروض گرفت.

$$X = ۸۳/۵۱۲ \quad sig = ۰/۰۰۰ \quad V = ۰/۱۷۵$$

نتایج حکایت از آن دارد که رضایت از اوضاع سیاسی در مناطق توسعه نیافته در حد معناداری بیشتر است. (ص ۲۹)

یک انگاره در تفسیر تفاوت میان رضایت فردی و رضایت از فضای عمومی، به این نکته است که این دو الگوی رضایت، گزارش از تحولات عینی جامعه ایرانی می دهند مطابق با این الگو باید تصور شود که مسیر تحولات در جامعه ایران به واقع موجب افزایش رضایت فردی شده است: اقداماتی که سبب افزایش شاخص های توسعه انسانی در ایران شده اند عبارتند از افزایش و گسترش تحصیلات و آموزش عالی، گسترش امکان تحرک طبقاتی و اجتماعی و اتخاذ سیاستهایی که عملاً به تقویت طبقه متوسط انجامیده موجبات افزایش رضایت فردی را فراهم ساخته است. اما در کنار این تحولات، بی سامانی در عرصه مدیریتی، تعدد و تکثر الگوهای ساماندهی فرهنگی و اجتماعی و عدم انطباق سازمان مدیریتی کشور با تحولات اجتماعی و فرهنگی سبب شده است که فضای عمومی جامعه وضع نامطلوبی بیابد و افزایش جمعیت شهری نیز هر روز به این فضای نامطلوب دامن زده است. (ص ۳۳)

....تحولات سیاسی اخیر و تمایل جناحین سیاسی به جلب مشارکت و ناکارآمد جلوه دادن حوزه قدرت رقیب سبب شده است که همه رسانه ها در این امر همدستان باشند که فضای عمومی جامعه، اوضاع اقتصادی، چشم انداز تحولات در عرصه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را نگران کننده بنمایانند. مطابق با این الگو افراد هنگامی که از وضع فردی خود سخن می گویند فضای ملموس خود را وانمایی می کنند اما هنگامی که از فضای عمومی سخن می گویند کم و بیش بازتاب دهندگان پیام رسانه ها هستند. (ص ۳۴) پس به طور خلاصه می توان گفت: عواملی که سبب افزایش «رضایت فردی» می شود عبارتند از: ۱- مهاجرت ۲- آموزش ۳- گسترش فضای ارتباطی و رسانه ای.

حقیقتاً هنگامی که فرد در باب وضعیت فردی خود قضاوت می کند مرجع و مبنای مقایسه او چیست؟ ظاهراً رویکرد یاد شده مبنای مقایسه را وضعیت پیشین فردی انگاشته است. اما ممکن است مبنای مقایسه در واقع نه وضعیت فردی بلکه وضعیت دیگران باشد. در این صورت بسیاری از عوامل یاد شده نظیر مهاجرت و ارتباطات ممکن است فرد را به شبکه های دیگری متصل کنند که فضای امن و رضایت بخش پیشین فردی از دست برود و در پرتو وضعیت متفاوت دیگران فرد به رغم بهبود نسبی در وضعیت خود از آنچه دارد بیش از گذشته ناراضی باشد. تا حدودی به این پرسش با کنترل متغیر سن می توان پاسخ گفت. اگر سن بالا رضایت فردی بیشتری دارند تا حدودی می توان نسبت به صحت ایده نخست گمان برد و چنین انگاشت که افراد با ارجاع به وضعیت فردی خود رضایت از وضع خود دارند. اما اگر با افزایش سن میزان رضایت از اوضاع فردی کاهش یابد در این صورت میزان رضایت رویکرد مذکور چندان پاسخگو نخواهد بود.

ص ۶-۳۴ تلخیص یافته»

۲-۱-۱-۲: ناییب. ۱۳۷۵

در این اثر تحقیقی محقق به سنجش توصیفی احساس خوشبختی می پردازد. سنجش متغیر وابسته از طریق یک گویه انجام پذیرفته «کلاً چقدر احساس خوشبختی می نمائید؟»

به نظر ما بررسی متغیر وابسته - که متغیر اصلی تحقیق است - از طریق یک گویه به پایایی (reliability) تحقیق خدشه جدی وارد می نماید. و از دقت کار می کاهد. در هر حال مشخص نیست که آیا احساس خوشبختی یک سازه^۳ است یا یک متغیر بسیط؟

آنگاه در حالت نخست باید اهتمام به شناخت ابعاد آن داشته باشد و در حالت دوم باید با افزایش تعداد گویه ها سطح سنجش آن را از تربیتی به فاصله ای ارتقا بخشد.

در این تحقیق برای رضایت از زندگی به مثابه یک متغیر مستقل چهار بعد در نظر گرفته شده است:

رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از مسکن، رضایت از تندرستی و رضایت از شغل. بعد نخست با یک گویه سنجیده شده است: آیا از زندگی خانوادگی خود راضی هستید؟ بعد دوم که رضایت از مسکن است؛ دارای دو مولفه است الف: رضایت از اندازه مسکن ب: رضایت از محله ای که فرد در آن زندگی می کند.

بعد سوم رضایت از تندرستی است که آن نیز با یک گویه سنجیده می گردد و بعد چهارم رضایت از شغل است که دارای ابعاد متعددی است (ما فوق، همکار، امکان ترفیع شغلی، امنیت اقتصادی، فاصله درآمد از درآمد مطلوب و تفاضل رتبه درآمد از درآمد مطلوب) ص ۲۰

نظر به اینکه احساس خوشبختی با رضایت از زندگی دارای همبستگی نسبتاً زیادی است (ص ۵۵) نتایج آزمون فرضیات به کار گرفته شده در این تحقیق مفید به نظر می‌رسد.

شماره صفحه	آزمون χ^2 کرامر	سطح معناداری (α)	فرضیه
۴۶	۰/۱۱	۰/۰۷	احساس خوشبختی با رتبه شغلی پیوستگی دارد
۴۸	۰/۱۴	۰/۰۰۵	احساس خوشبختی با تحصیلات پیوستگی دارد
۴۹	۰/۲۰	۰/۰۰۰۱	احساس خوشبختی با درآمد پیوستگی دارد
۵۰	۰/۱۸	۰/۰۰۰۱	احساس خوشبختی با امنیت اقتصادی پیوستگی دارد
۵۳	۰/۲۹	۰/۰۰۰۰	احساس خوشبختی با رضایت از زندگی پیوستگی دارد
۵۵	۰/۱۸	۰/۰۰۰۱	احساس خوشبختی با بیگانگی پیوستگی منفی دارد
۵۸	۰/۱۳	۰/۰۴	احساس خوشبختی با جنس پیوستگی دارد
۵۹	۰/۰۳	۰/۸۱	احساس خوشبختی با تأهل پیوستگی دارد
۶۰	۰/۱۳	۰/۰۴	احساس خوشبختی با وضعیت اشتغال فرد پیوستگی دارد
۸۳	۰/۱۲	۰/۰۵	رضایت از زندگی با رتبه شغلی فرد پیوستگی دارد
۸۶	۰/۱۷	۰/۰۰۱	رضایت از زندگی با درآمد فرد پیوستگی دارد
۸۷	۰/۱۳	۰/۰۱	رضایت از زندگی با اعتماد پیوستگی دارد
۸۷	۰/۳۰	۰/۰۰۰۰	رضایت از زندگی با بیگانگی پیوستگی دارد

۲-۱-۱-۳: عظیمی هاشمی ۱۳۸۲

این پژوهش با هدف شناسایی رضایت از زندگی و مولفه‌های آن و دینداری و وجوه آن و رابطه بین این دو متغیر در بین دانش آموزان نمونه تحقیق (۱۲۰۰ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه شهرهای فردوس و درگز و نواحی ۴، ۵، ۷ مشهد) انجام شد. نمونه گیری طرح خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار سنجش پرسشنامه می‌باشد. یافته‌ها نشان داد ۴۲/۵٪ دانش

آموزان نمونه تحقیق از زندگی رضایت زیاد دارند و بیش از نیمی از آنان در حد متوسط از زندگی راضی هستند. مقایسه ابعاد رضایتمندی از زندگی در بین دانش آموزان بر اساس مقیاس چند بعدی رضایت از زندگی (دوستان، مدرسه، خود، خانواده و محیط زندگی) حاکی از آن است که بیشترین نسبت نارضایتی دانش آموزان از محیط زندگی است...

بررسی توزیع توام دو متغیر دینداری و رضایت از زندگی نشان می‌دهد که هم تغییری مثبت بین این دو متغیر به وضوح قابل مشاهده است و دینداران از زندگی رضایت بیشتری دارند. روابط همبستگی بین اجزا و مولفه‌های هر دو متغیر حاکی از آن است که بعد پیامدی که ناظر بر اهمیت دین در زندگی شخصی و نگاه دین به رضایت، موفقیت، خرسندی، سعادت‌مندی است. بیشترین وابستگی (I=۳۳٪) را با رضایت از زندگی دارد. (به ویژه بارضایت از خانواده و مدرسه) یافته‌های رگرسیون چند متغیری نشانگر است که دینداری ۱۳٪ از تغییرات رضایت از زندگی در بین دانش آموزان را تبیین می‌کند ۸۷٪ باقی مانده تغییرات رضایت زندگی در بین دانش آموزان تابع عوامل دیگر است.

همچنین از بین ابعاد چهارگانه دینداری بعد مناسکی در کنار ابعاد سه‌گانه دیگر (اعتقادی، تجربی، پیامدی) تاثیر خالص در توضیح رضایتمندی ندارد و بعد پیامدی قوی‌ترین پیش بینی‌کننده رضایتمندی از زندگی در بین دانش آموزان تحقیق است. (برگرفته از خلاصه طرح)

هرچند این اثر تحقیقی در زمره بهترین آثار تحقیقی موجود در داخل کشور درباره رضایت از زندگی است؛ اما وجود چند نکته نتایج آن را تردید آمیز نموده است.

نکته یکم: "از لحاظ روش شناسی، تحدید و تصریح مرز میان متغیر مستقل (بعد پیامدی دینداری) و متغیر وابسته (رضایت از زندگی) کاملاً اساسی است.

به عبارت دیگر متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق باید کاملاً جداگانه تعریف شوند و هرگز نباید متغیر مستقل (بعد پیامدی دین) با توجه به متغیر وابسته (رضایت از زندگی) تعریف گردد. زیرا در این صورت، هنگام اندازه گیری روابط بین متغیرها، بخش اعظم واریانس متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقلی تبیین می‌شود که قبلاً به شکلی از روی آن ساخته شده است یا به هم مربوط هستند^۴.

نیز می‌دانیم که بعد پیامدی دین در واقع رعایت دیانت در زندگی روزمره به ویژه رفتارهای غیر عبادی است. با توجه به این دو مطلب در پژوهش مذکور بعد پیامدی دینداری نباید معطوف به رضایت از زندگی باشد. این در حالی است که گویه "اعتقاد دینی به انسان کمک می‌کند که از زندگی خود راضی باشد" و نیز گویه "اعتقاد دینی عامل مهمی در آرامش

^۴ شرح کاملتر این موضوع را می‌توان در اثر تحقیقی آقای طالبان (طالبان، محمد رضا. ۱۳۸۰: ۵۲) دنبال نمود.

روحی روانی انسان است " (عظیمی هاشمی، مزگان، ۱۳۸۲: ۱۶۸) از پرسشنامه مذکور ناظر به ارتباط بین دینداری و رضایت از زندگی است.

نکته دوم: ایراد وارد بر کار پژوهشی ایشان این است که تعریف عملیاتی بعد پیامدی دین ناظر به حیطة غالب کنش پاسخگویان نمی‌باشد. می‌دانیم که در ارائه تعریف عملیاتی، محقق باید یک چشمش به تعریف مفهومی (و در صورت فقدان، تعریف اسمی یا تحلیلی) و چشم دیگرش باید ناظر به حیطة غالب کنش پاسخگو باشد. توجه به حیطة غالب کنش سبب می‌شود که پاسخگو خود را در موقعیتی واقعی تصور کند و راحت تر بتواند در مقابل گویه موضع گیری نماید. دو مورد از گویه‌های مذکور در این اثر پژوهشی فارغ از حیطة غالب کنش پاسخگو هستند.

«آدم باید مواظب باشد لقمه حرام نخورد» نیز گویه «مهم نیست که شغل درآمدش حلال باشد یا نه مهم این است که شغل پر درآمد باشد.» (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۶۸) بدیهی است که معاملات اقتصادی و... در زمره حیطة غالب کنش افراد در سن و سال دبیرستانی نیست و پاسخگویان در این حوزه فاقد تجربه کافی و لذا فاقد موضع واقعی^۵ هستند و لذا امکان ارائه پاسخهای کلیشه‌ای از سوی پاسخگو زیاد می‌گردد که خود سبب غیر نرمال شدن توزیع خرده مقیاس مذکور می‌گردد که در واقع مقدمه پدید آمدن اشکال سوم است.

نکته سوم: در این اثر تحقیقی متغیر وابسته غیر نرمال است و لذا قابلیت استفاده از تحلیل رگرسیون و آزمون آرا ندارد. اشکالات سه‌گانه مذکور سبب می‌شود که مهمترین نتیجه پژوهش مذکور یعنی «بعد پیامدی دینداری قویترین همبستگی را با رضایت از زندگی دارد» مخدوش باشد.

Ryan & Dziurawiec . ۲۰۰۰ : ۴-۱-۱-۲

محقق به تحقیقی نحت عنوان «دنیا طلبی و نسبت آن با رضایت از زندگی» پرداخته است. این تحقیق درباره پیامدهای اتخاذ یک سبک زندگی مبتنی بر دنیا طلبی است " نمونه آماری این تحقیق ۱۶۲ نفر استرالیایی از ناحیه شهری Perth بودند که ۵۵/۶ درصد پاسخگویان این تحقیق زن و ۴۴/۴ درصد آنان مرد و میانه سنی آنها ۴۴/۵ سال بود " ۱۹۰: p

مراد از دنیا طلبی که برای معادل کلمه Materialism آورده شده است سازه‌ای است که در تعریف آن دو رویکرد متفاوت وجود دارد.

رویکرد نخست (Belk, ۱۹۸۴, ۸۵): مبتنی بر برخی ویژگی‌های شخصیتی همچون اهل چشم و هم‌چشمی بودن، بخیل بودن است. P: ۱۸۷

ورویکرد دوم (Dawsan, ۱۹۹۲): ارزش دانستن محوریت و قدرت، اهل خوشگذرانی بودن و موفقیت را در مالکیت هر چه بیشتر دانستن است. که رویکرد اخیر در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است p: ۱۸۶

بنابراین آنچه آنچنان که از فحواي مقاله بر می‌آید مراد از دنیاگرایی، میزان دارایی و ثروت افراد نیست بلکه گرایش و تمایل به کسب دارایی و ثروت‌اندوزی است به تعبیری دیگر ممکن است فردی بضاعت مالی چندانی نداشته باشد ولی ویژگی‌های مذکور را ارزش تلقی کرده و عملاً جویای آن باشد.

۹- در این تحقیق رضایت از زندگی با استفاده از شاخص‌هایی از طیف Delighted Terrible [طیف خوشی فراوان] که متعلق به (Andrews and withey ۱۹۷۶) است؛ استفاده شده، رضایت کلی از زندگی و رضایت از زندگی در هفت حوزه اسکان، معیار زندگی [منظور از معیار زندگی میزان تملک مادی است p=۱۸۶] زندگی خانوادگی، موفقیت‌ها، شغل، سلامتی، میزان خرسندی و شادی.

دنیا طلبی از طریق ۱۴ معرف از نسخه اصلاح شده از طیف دنیاگرایی (Richins and Dawson ۱۹۹۰) استفاده شده است. p: ۱۹۱

* همبستگی پیرسون از نوع Product – Moment آشکار نمود که هر یک از ابعاد زندگی بطور معنی‌داری با زندگی به مثابه یک کل مرتبط بود.

* نتایج این بررسی حکایت از آن دارد که، افرادی که به لحاظ دنیا طلبی در مرتبه بالاتری هستند رضایت کلی از زندگیشان کمتر است. و نیز در حوزه‌های «معیار زندگی» [که بر میزان تملک مادی فرد تأکید دارد] «زندگی خانوادگی» و «میزان خرسندی و شادی» کمتر است. حوزه‌های مذکور برخی بر تملک مادی و برخی بر روابط بین فردی تأکید دارد. p: ۱۹۳

۲-۱-۱-۵: علیخواه. ۱۳۸۳

نویسنده در اثر تحقیقی خود تحت عنوان «سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی» به جمع‌آوری مفاهیم اساسی علوم اجتماعی در میان آثار پژوهشی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا پرداخته است. دو اثر پژوهشی که نویسنده از آنها نیز یاد کرده است آثار پژوهشی آقایان فریدون علیخواه - نویسنده - و فیض ... نوروزی است. اگر چه در هر دو اثر

مذکور به متغیر « رضایت از زندگی » پرداخته شده است، اما از آنجا که در هر دواتر رضایت از زندگی متغیر اصلی (وابسته) پژوهش نبوده است؛ به نظرمی رسد به اندازه کافی مورد موشکافی قرار نگرفته است.

به اختصار می توان گفت که در اثر پژوهشی آقای علیخواه برای « رضایت از زندگی » شش بعد در نظر گرفته شده است که عبارت هستند از: ۱- رضایت از زندگی خانوادگی (شامل رضایت از همسر و فرزند) ۲- رضایت از شغل ۳- رضایت از روابط اجتماعی (همکاران و همسایگان) ۴- رضایت از درآمد ۵- رضایت از تحصیلات ۶- رضایت از تسهیلات مهم خانواده. که در سؤالات مذکور میزان رضایت از زندگی در قالب طیف پنج گزینه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که هر چه رضایت از زندگی بیشتر باشد گرایش به آزادی بیشتر است. (صص ۳۴۰-۳۳۹). نکته قابل ذکر در باره کار ایشان این است که متغیر رضایت از زندگی در این تحقیق فاقد روایی محتوایی^۶ است. یعنی برخی از حیطه های رضایت از زندگی مانند « رضایت از خود » آورده نشده است.

در اثر پژوهشی دوم نیز می توان به اختصار گفت که برای رضایت از زندگی پنج بعد در نظر گرفته شده است که عبارتند از رضایت از رشته تحصیلی، رضایت از محله سکونت، رضایت از خانواده، رضایت از کشور و رضایت از مسؤولین. در پرسشنامه مذکور متغیر رضایت در قالب طیف سه گزینه ایی لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که میزان رضایت از زندگی با فردگرایی رابطه ای زیاد دارد. (صص ۸-۲۵۷)

در باره اثر ایشان دو نکته قابل ذکر است: نکته نخست اینکه متغیر رضایت از زندگی در این تحقیق فاقد روایی محتوایی (Content validity) است. مثلاً در این اثر نیز رضایت از خود و رضایت از محیط کار یا تحصیل مورد بررسی قرار نگرفته است. نکته دوم نیز اینکه متغیر « رضایت از مسؤولین » معطوف به متغیر رضایت اجتماعی است نه رضایت از زندگی.

Adams. ۱۹۶۹ : ۶-۱-۱-۲

محقق در اثر تحقیقی خود به نام « تحلیلی از شاخص رضایت از زندگی » برای رضایت از زندگی چند بعد قائل است که عبارتند از: از رغبت به زندگی، تناسب میان اهداف دست یافته و آرزوها، شاد و مثبت بین بودن، ثبات قدم و شکیبایی و تصور از خود به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی. (Adams , ۱۹۶۹: ۴۷۰)

برخی گویه های مربوط به این پژوهش به شرح ذیل است.

بعد شادی و مثبت گرا بودن:

۱- اکنون همچون ایام جوانی شاد هستم

- ۲- این ایام بهترین سالهای زندگی من است.
- ۳- زندگی من از آنچه است می‌تواند بهتر باشد.
- ۴- این ایام دلگیرترین ایام زندگی من است.
- ۵- غالب کارهایم برای من خسته کننده است.
- ۶- در مقایسه با دیگران من خیلی در خیالات فرومی‌روم.

بعد رغبت به زندگی

- ۱- تاکنون چنین بوده که هر آنچه می‌کردم به آن علاقه می‌داشتم
- ۲- برای یک ماه یا یک سال آینده‌ام برنامه ریزی دارم.
- ۳- درمقایسه با افراد هم سن و سال خودم من فردی موفق بودم.
- ۴- هر قدر که می‌گذرد اوضاع بهتر می‌گردد.
- ۵- پیش بینی می‌کنم که در آینده امور جالب و خوشایندی برایم روی می‌دهد.
- ۶- احساس پیری و خستگی می‌کنم.

۲-۱-۲ : نگاه به رضایت از زندگی به مثابه یک متغیر بسیط

۲-۱-۲-۱-۲ محسنی، ۱۳۷۹

در این اثر تحقیقی^۱ که در قالب کتاب چاپ شده است؛ محقق ابتدا به مفهوم رضایت می‌پردازد: «رضایت هم متغیر است و هم دارای ابعاد مختلفی است که بدون تردید با نیازهای بشری و ارضای آنها در رابطه است؛» محقق برای رضایت اجتماعی هفت بعد در نظر می‌گیرد که عبارتند از «رضایت از شهر محل زندگی، رضایت از خانواده، رضایت از سلامت فردی، رضایت از تغذیه، رضایت از مسکن، رضایت از وضع مالی، رضایت از بخت و اقبال» تمام هفت حوزه مذکور در قالب طیف سه گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.

در این تحقیق رضایت از زندگی گاهی در ذیل رضایت اجتماعی و در زمره ابعاد آن است که در واقع بعد هشتم آن را تشکیل می‌دهد (ص ۵۴۰) و گاه چیزی متمایز از آن ابعاد است و در زیر مجموعه رضایت اجتماعی قرار نمی‌گیرد. (ص ۲۵۹) در هر حال نظر محقق درباره این متغیر (رضایت از زندگی) چندان مشخص نیست. در هر حال از نظر محقق «رضایت از زندگی، هر چند که موضوع یا زمینه مشخصی را مطرح نمی‌کند، شاخصی برای بیان سطح رضایت از مجموعه عوامل و عناصر زندگی است؛ و به همین نسبت قضاوت‌های کلی گرایانه‌ای را نیز به همراه دارد. سطح نارضایتی کامل از زندگی برابر با ۷/۶٪ و نسبت افراد کاملاً راضی نیز برابر با ۶۵/۷٪ است. نسبت آنها که عقایدی در حد وسط دارند و اظهار می‌کنند تا حدی از زندگی خود راضی هستند به ۲۵/۷٪ می‌رسد. بررسی پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران در سال ۱۳۵۳ در ۲۴ شهر ایران بر روی ۴۴۲۰ نفر نشان می‌دهد که نسبت ناراضیان از کل زندگی (پرسش کاملاً مشابه) برابر با ۷٪ بوده است. که با نسبت، تشابه کامل دارد.» صص ۲۵۶-۷

در ادامه رابطه برخی متغیرها با رضایت از زندگی سنجیده شده است که در این میان جنس، سن، وضع تأهل فاقد رابطه معنادار است ولی سواد و درآمد رابطه معناداری با رضایت از زندگی دارند.

ایراد قابل طرح بر این تحقیق این است که متغیرهای سواد و درآمد که هر دو در سطح سنجش رتبه‌ای می‌باشند با آماره کیدو مورد سنجش قرار گرفته است. نیز رضایت از زندگی فرد صرفاً با یک گویه سنجش شده است: «آیا به طور کلی از زندگی خود راضی هستید؟» شایان ذکر است که ارقام مختلف رضایت اجتماعی در این تحقیق بسیار بالا و قابل تردید است:

۱- شایان ذکر است نمونه آماری تحقیق مذکور افراد ۱۶ سال به بالا و در ۱۵ شهر از ۵ استان کشور و مجموعاً ۳۵۴۰ نفر بوده است.

حوزه رضایت	مجموع رضایت نسبی و کامل (%)
زندگی خانوادگی	۹۷/۱
وضع تغذیه	۹۲/۷
وضع سلامت	۹۱/۹
وضع مالی	۸۷/۹
وضع مسکن	۸۵/۸
شهر محل زندگی	۸۳/۴
بخت و اقبال	۷۱/۶

که در مورد رضایت از کل زندگی همچنانکه ذکر شد ۶۵/۷ درصد است. ص ۲۵۹

۲-۱-۲: اینگلهارت، رونالد

در این اثر ارزشمند اینگلهارت با توجه به نتایج تحقیقات طولی و میان فرهنگی به بررسی تطبیقی میزان رضایت از زندگی و احساس سعادت در بین چندین کشور اروپایی پرداخته است. او اشاره می کند که «در جمع بندی نتایج بیش از دویست هزار مصاحبه در نه کشور اروپایی» تفاوت‌های میان فرهنگی فراوان را که در طول زمان ثابت بوده اند، مشاهده می کنیم به علاوه این تفاوت‌ها بازنتاب اوضاع عینی اقتصادی به طریق مستقیم و ساده نیستند. مثلا مردم ایتالیا هر سال پایینترین سطح رضایت از زندگی را نشان می دهند، از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ بجز یک سال (که از آخر در ردیف دوم هستند) همیشه در آخر قرار دارند؛ در طول این دوره پانزده ساله هیچگاه درصد ایتالیایی هایی که از زندگی خود بسیار راضی بوده اند از ۱۵ بالاتر نرفته است. فرانسویان با فاصله کمی بالاتر از ایتالیایی ها قرار دارند.... در نقطه کاملا مقابل، دانمارکی ها قرار دارند که هر سال بالاترین سطح رضایت کلی از زندگی را نشان می دهند بجز یک سال (که در ردیف دوم قرار دارند)، هیچگاه درصد دانمارکی هایی که خود را خیلی راضی بر شمرده اند کمتر از ۴۷ نبوده است. به طور میانگین احتمال اینکه دانمارکی ها از زندگی خود «خیلی راضی» باشند شش برابر ایتالیایی ها است....

دیگر ملیت ها موقعیت نسبی خود را به طرز قابل ملاحظه ثابت نگهداشته اند، تنها با یک استثناء یعنی بلژیکی ها؛ کسانی که در تمام دهه ۱۹۷۰ در میان سه تا از راضی ترین ملیتها قرار داشتند اما در دهه ۱۹۸۰ یک کاهش محسوس و ممتد را نشان می دهند تا آنجا که در ۱۹۸۶ به ردیف ششم سقوط می کنند.... این ۱۵ تا ۲۰ درصد تنزل در مقایسه

با ۵۰ درصد اختلاف که دانمارکی ها را از ایتالیایی ها جدا می کند آنقدر زیاد نیست؛ اما بیانگر کاهش محسوس در احساس سعادت در میان مردم بلژیک در تقابل با ثبات کلی تفاوت‌های مقطعی - ملی مورد مشاهده در سراسر این دوره است. تفاوت‌های فرهنگی منطقی پایدار هستند، اما نه ابدی. نوسانهای کوتاه مدت وجود دارد و همانطور که در مورد بلژیک نشان می دهد ممکن است دگرگونیهای مهمی در موقعیت نسبی بعضی ملل پدید آید.

.... علت کاهش رضایت از زندگی در بلژیک را می توان تا حدی ناشی از بیکاری و تورمی دانست که در دهه ۱۹۸۰ در این کشور به سطح فوق العاده بالایی رسیده بود در مقابل رضایت از زندگی در آلمان یک روند به سوی بالایی نسبتا کم اما قابل درک را نشان می دهد ، کشوری که کمترین نرخ تورم را از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ داشته است . بنابراین ما رابطه تقریبا زیادی بین نوسان های کوتاه مدت رضایت از زندگی و تجربه های اقتصادی جوامع مزبور می یابیم.

اما یک جنبه به مراتب قابل توجه تر تداوم فرهنگی است که علیرغم این نوسان های کوتاه مدت استمرار می یابد. با وجود تحولات اقتصادی بزرگ بین تجربه های کشورهای مختلف ما شاهد ثبات قابل توجهی در مراتب نسبی مردم در این کشورها هستیم. ایتالیایی ها و فرانسوی ها در همه حال در ردیفهای نزدیک به آخر و دانمارکی ها و هلندی ها در ردیفهای بالا قرار دارند. و علیرغم این حقیقت که اقتصاد آلمان هم در شرایط مطلق و هم در عملکرد نسبی در طول این دوره در مرتبه بالایی قرار دارد، سطح رضایت از زندگی در میان مردم آلمان پیوسته در حد نسبتا پایینی است (اگرچه روندی رو به بالا را نشان می دهد). در مقابل هم درآمد سرانه ایرلندیها و هم درآمد سرانه هلندی ها از آلمانی ها کمتر است و اقتصادشان نیز سطح قابل ملاحظه بالاتری از تورم و بیکاری را در این دوره به نسبت اقتصاد آلمان نشان می دهد، معینا هم ایرلندی ها و هم هلندی ها دائما سطح بالاتری از رضایت از زندگی را نسبت به آلمانی ها نشان می دهند. اگرچه تفاوت‌های فرهنگی در رضایت از زندگی به دگرگونیهای اقتصادی واکنش نشان می دهند اما این واکنش بسیار کند صورت می گیرد. نتیجه گیری ما بسیار ساده اما مهم است: مؤلفه فرهنگی است که زمینه ساز این پاسخ ها است اساسا هر پاسخی تا حدی متأثر از محیطی است که در آن پرسیده می شود و این سوال هم استثناء نیست. پاسخ ها هم بازتاب نوسان های کوتاه مدت (ناشی از رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نزدیک) و هم بازتاب عامل بلند مدت فرهنگی هستند

به نظر ما تفاوت های مقطعی - ملی یک مؤلفه فرهنگی مهم دارند این تفاوت ها بازتاب هنجارهای فرهنگی مختلف هستند. دوره های طولانی سعادت و ناکامی می تواند هنجارهای متداول در یک جامعه معین را قوی تر یا سست تر کند و به تمایلات نسبتا منفی یا مثبتی منتهی گردد که بر پاسخ ها تاثیر می گذارد قطع نظر از اینکه زندگی شخصی فرد پرسش شونده بر چه منوال است. دگرگونیهای کوتاه مدت بیانگر تجربه‌های مستقیم بلاواسطه شخص هستند، اما

تفاوت‌های مقطعی - ملی پایدار بازتاب هنجارهای فرهنگی شناختی هستند و نه غم و شادی فردی که این هم به این معنا نیست که تفاوتها ساختگی هستند. بر عکس، آنها بازتاب تفاوت های عمیق و فراگیر در نگرش هستند. سطح پایین رضایت از زندگی به گرایش های منفی نسبت به کل جامعه مربوط می شود... ص ۳۲

اشاره می کنیم که مؤلفه فرهنگی این تفاوت های مقطعی - ملی بازتاب تجربه های تاریخی این ملت ها است. دوره های طولانی آرزوها و انتظاراتی برآورده نشده موجب ظهور نگرش های بدبینانه می شود. این گرایش ها ممکن است از طریق جامعه پذیری در دوران پیش از بلوغ از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. هراندازه که یادگیری اولیه پایدارتر باشد به ثبات الگوی فرهنگی متمایز بیشتر کمک می کند. این واقعیت که ما فقط تا اندازه ای می توانیم علت های تاریخی تفاوت های فرهنگی را تعیین کنیم، مطمئناً این تفاوت ها را ناپدید نمی سازد. آنها ویژگی های فرهنگی مهمی هستند که به تبیین رفتار متفاوت ملت ها کمک می کنند.

به اعتقاد ما یکی از مهمترین علل اختلاف فرهنگی سطح توسعه اقتصادی جامعه است: امنیت اقتصادی احساس عمومی رضایت از زندگی را در جامعه افزایش داده و به تدریج باعث پدید آمدن یک هنجار فرهنگی نسبتاً عالی می شود. شواهد تجربی این فرضیه را تأیید می کنند...

تفاوت های فرهنگی مورد مشاهده بازتاب تجارب تاریخی چندین نسل یا چندین قرن است و نه فقط ده دوازده سال گذشته. ص ۳۳

... اگر چه عامل اقتصادی تنها عامل اختلاف در رضایت از زندگی نیست، به نظر می رسد که توسعه اقتصادی با سطوح نسبتاً بالای رضایت از زندگی در ارتباط است. ص ۳۵

ارزشها و احساس سعادت رابطه تنگاتنگ اما پیچیده ای دارند... ص ۴۱ وقتی که مردم به خواسته ای ارزشمند می رسند، احساس خوشبختی و رضایت می کنند. لیکن این احساس سعادت ذهنی ذاتاً زود گذر است. در کوتاه مدت ممکن است آنچه شما به دست آورده اید موجب سرخوشی شود؛ اما در بلند مدت این طور نیست - زیرا اگر اینگونه بود فعالیت های هدفمند متوقف می شد. پس از مدتی، مردم آنچه را دارند بیهی پنداشته، زیاده خواهی می کنند و یا اینکه وقتی به نقطه اشباع می رسند، به دنبال سایر خواسته ها می روند. در صورتی که خواسته های معینی مدت های مدیدی ارضاء شده باشند، مردم بهای کمی به آنها داده، متوجه خواسته های دیگر می شوند. وقتی یک نسل جای خود را به نسل دیگر می سپارد، اولویت های کل جامعه ممکن است تغییر یابد. لذا فراگرد دگرگونی فرهنگی با پیامدهای بلند مدت پیگرد و دستیابی به سعادت ذهنی ارتباط دارد. ص ۲۴۱

نکته قابل اطمینان این است که از لحاظ ذهنی پیامدهای کوتاه مدت دستیابی به هدفی خاص همانند پیامدهای بلند مدت آن نیست. ص ۲۴۱

سعادت ذهنی بنابر تغییرات جدید در وضعیت مالی یا وضعیت تأهل تفاوت‌های نسبتاً بزرگی نشان می‌دهد. ص ۲۷۳
بنابراین تغییرات محیط اقتصادی و اجتماعی می‌تواند سه نوع تأثیر متفاوت داشته باشد.

۱- به طور خلاصه، تغییر وضعیت عینی فرد [مثل درآمد و شغل] می‌تواند موجب احساس آنی رضایت و نا رضایتی شود.
۲- وضعیتی که برای مدتی دوام می‌آورد احتمالاً برای چندین سال - ممکن است به تدریج سطوح آرزوهای افراد را در یک زمینه معین ارتقاء یا تنزل دهد.

۳- وضعیتی که برای مدتی طولانی دوام آورد می‌تواند به دگرگونی ارزش‌های نسلی منتهی شود، در نتیجه افراد یک جامعه معین اولویت اصلی خود را به ارزش‌های متفاوت خواهند داد. ص ۲۴۶

رضایت فرد از کل زندگی بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون در آمد، مسکن، شغل فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی و مانند آن است. ص ۲۴۳

«کمبل»، «کانورس» و «راجرز» (۱۹۷۶) چنین مدلی را فرضی می‌کنند. آنها اظهار می‌دارند که رضایت ذهنی فرد از هر جنبه خاص زندگی بازتاب شکاف بین سطح آرزوی او و وضعیت عینی وی است اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می‌یابد. ص ۲۴۴

سعادت ذهنی در میان گروه‌هایی که بر پایه ویژگی‌هایی کمتر پایدار مثل درآمد یا وضعیت تأهل قرار دارند متفاوت است، اما حتی در اینجا مقدار اختلاف به طور تعجب آوری کم است. ص ۲۷۳

بارنز و دیگران (۱۹۷۹) یافته‌های مشابهی را از ایالات متحده و چهار کشور اروپای غربی گزارش می‌دهند.

همانطور که می‌توان انتظار داشت، ثروتمندان از در آمدشان بیش از افراد فقیر راضی هستند، و کسانی که از تحصیلات عالی برخوردارند از تحصیلاتشان بیش از افراد کم سوادتر راضی هستند. لیکن تفاوتها کوچکتر از آن چیزی است که می‌توان انتظار داشت؛ و وقتی ما رضایت از زندگی را به طور کلی مورد بررسی قرار می‌دهیم، پراکنش در واقع کم است. ص ۲۴۳

سعادت ذهنی به ندرت در میان گروه‌هایی که با ویژگی‌های ثابتی چون جنس مشخص می‌شوند تفاوت می‌کند. ص ۲۷۳
زیرا شخص به ویژگی های ثابت خودش خو می‌کند ص ۲۴۵

روشن است که زنان در مقایسه با مردان با محرومیت‌های عینی فراوانی روبرو هستند. اگر محیط عینی، تعیین کننده اصلی احساس سعادت باشد، شخص انتظار خواهد داشت تفاوت‌های محسوسی بین زنان و مردان بیابد؛ در صورتی که الگوی آرزو - تطابق عمومیت داشته باشد، آنگاه باید در انتظار مشاهده تفاوت‌های اندکی باشیم. ص ۲۴۹

آیا زنان و مردان در سعادت ذهنی به طرز قابل توجهی باهم تفاوت دارند؟ شواهد مربوط به شانزده کشور غربی مشخص می‌کند که آنها تفاوت محسوسی ندارند...

به طور کلی میانگین شانزده کشور هم برای رضایت از زندگی و هم خوشبختی نشانگر این است که زنان در سعادت ذهنی اندکی از مردان بالاتر هستند لیکن تفاوتها فقط بالغ بر ۲ یا ۱ درصد می‌شود... ص ۲۵۰

... زنان در رضایت از زندگی ۳ درصد و در خوشبختی ۴ درصد بالاتر از مردان قرار می‌گیرند. اینکه زنان دائماً به میزان اندکی خوشبختتر از مردان هستند ممکن است انعکاس این باشد که وضعیت ایشان در نتیجه جنبش زنان، تا حدی در سالهای اخیر بهتر شده است.

... ژاپن جامعه‌ای است که زنان در آن به طور سنتی بسیاری از زنان غرب محروم بوده‌اند... زمینه یابی ۱۹۷۳ مردم ژاپن نیز با ۷۳ درصد مردان «راضی» یا «نسبتاً راضی» در مقایسه با ۸۱ درصد زنان (آی وائو. ۱۹۷۶)، به تفاوت‌های نسبتاً زیادی در خصوص رضایت از زندگی میان زنان و مردان دست یافت... لیکن این با الگوی آرزو - تطابق موافقت دارد. زنان ژاپنی برای قرن‌ها در زندگی تابع پدرانشان در دوران کودکی، شوهرانشان در طول ازدواج و سپس از آن تابع پسرانشان بوده‌اند. سطوح آرزوهایشان بازتاب این واقعیت است. [لذا به نظر می‌رسد] پدیده جدید بهبود یافته [است] با آنکه هنوز از برابری بسیار دور است - موجب سطوح نسبتاً بالای رضایت از زندگی شده باشد. ص ۲۵۱ جمهوری ایرلند از این لحاظ تا حدی شبیه ژاپن است... ص ۲۵۳

یک فراگرد تطابق روانی هم توسط «زاجونک» (۱۹۶۸) مطرح گردیده است. وی نشان داده است که میزان علاقه مشخص به یک خواسته معین تابعی از آگاهی وی نسبت به آن می‌باشد که خود تابعی است از مدت زمانی که شخص در معرض آن هدف قرار داشته است. ص ۲۵۴

گرایش کلی سعادت ذهنی این است که در شهرهای کوچک کمی بیشتر باشد. ازدحام، آلودگی، سروصدا میزان بالای تبهکاری مشخصه بسیاری از شهرهای بزرگ است؛ اینها بر سعادت ذهنی تأثیر منفی می‌گذارند. ص ۲۵۸

دینداری با سعادت ذهنی ارتباط دارد. کسانی که مرتباً به کلیسا می‌روند و با ایمان مذهبی دارند خوشبختتر از آنهايي هستند که به کلیسا نمی‌روند و ایمان مذهبی هم ندارند.

... تفاوت در سعادت ذهنی با تفاوت در دینداری به طرز قابل توجهی بزرگتر از تمام تفاوت‌هایی است که تا کنون مشاهده کردیم. در میان شانزده کشور اروپایی به طور کلی آنهایی که به طور میانگین هفته‌ای یکبار به کلیسا می‌روند ۸ درصد بیش از آنهایی که هرگز به کلیسا نمی‌روند از زندگیشان راضی هستند و ۹ درصد بیش از آنان خوشبخت هستند. ... بیشتر آینه‌های مذهبی شخص را به محدود کردن سطوح آرزوهایش تشویق می‌کنند - که برای به حداکثر رساندن سعادت ذهنی رهیافت درستی است، به ویژه در جوامع ما قبل صنعتی که اقتصادهای ثابتی داشته و تحرک اجتماعی در آنها بسیار محدود است. ص ۲۵۹

... به نظر می‌رسد تحصیلات به نسبت سن، جنس، یا اندازه اجتماع تأثیر بیشتری بر احساس سعادت داشته باشد، اما تأثیر آن (۶ درصد) تا حدی کمتر از گرایش مذهبی است. ص ۲۶۰

در همکرد آثار سن، جنس، نژاد، تحصیلات و حرفه تنها موجب ۸ درصد پراکنش (واریانس) در شاخص کاملاً معتبر رضایت کلی از زندگی است. ص ۲۴۲

نتایج نشان می‌دهد که رضایت از زندگی به طور کلی و خوشبختی یک چیز نیستند، اولی یک برآورد شناختی‌تر و دومی یک حالت بیشتر عاطفی است. (کمبل، کانورس و راجرز ۱۹۷۹، «اندروز» و «وایتی» ۱۹۷۶).

لیکن هر دو پرسش احساس کلی سعادت ذهنی و نه جنبه‌های خاص زندگی شخصی را نشان می‌دهد و ظاهراً این پرسش اول است که با الگوی آرزو - تطابق کاملاً منطبق است. از این گذشته، پاسخهای داده شده به این دو سؤال کاملاً بهم ارتباط دارند زیرا همبستگیهای مورد مشاهده میان آنها در جوامع مورد تحلیل پیوسته بین ۰/۵ تا ۰/۷ است. ... ص ۲۴۸

۲-۱-۲-۳: David Lacland . ۲۰۰۱

محقق به ارائه تحقیقی اکتشافی تحت عنوان «رضایت از زندگی در میان دانش‌آموزان خارجی» پرداخته است. موضوع این تحقیق رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن است که در میان ۳۰۴ دانش‌آموز خارجی که مشتمل بر ۱۵۹ نفر مرد و ۱۴۵ نفر زن و در دانشگاه Bergen از نوروژ می‌باشند. دانش‌آموزان بطور متوسط ۲/۳ سال در نوروژ اقامت داشته‌اند ($SD = ۲/۳۱$) در مجموع دانش‌آموزان رضایت از زندگی خوبی را اعلام نمودند. با این وجود دانش‌آموزانی که از اروپا و آمریکای شمالی بودند از همسالانشان در آفریقا و آسیا احساس رضایت بیشتری داشتند نیز به این نتیجه می‌رسیم که عواملی همچون تعداد دوستان - رضایت مالی - احساس تبعیض - و اطلاعات دریافت شده اولیه از اقامتگاه خارجی بر رضایت از زندگی دانش‌آموزان مؤثر بود میزان اهمیت این عوامل برای دانش‌آموزان از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه - با توجه به یافته‌های متناقض - متفاوت است. تناقض این یافته‌ها ممکن است به این

علت باشد که این تحقیق در یک زمینه‌ای نوروژی انجام پذیرفته است. مهارت زبانی - اگر چه برای زبان کشور میزبان و نیز زبان انگلیسی توجه بیشتری می‌شد. و نیز داشتن یک دوست از کشور میزبان (نوروژ) تأثیر معنی‌داری بر رضایت از زندگی نداشت. $P: 315$

۲- پاسخگویان:

جمعی مشتمل بر ۳۰۴ دانش‌آموز بین‌المللی که ۱۵۹ نفر آنان مرد و ۱۴۵ نفر آنان زن و از دانشگاه Bergen در نوروژ بودند، در این بررسی مشارکت نمودند. میانگین سن دانش‌آموزان ۲۹٫۶ سال ($sd= 4,9$) و متوسط مدتی که در نوروژ اقامت داشتند ۲٫۳۴ سال ($sd= 2,31$) بود. مشارکت کنندگان از ۶۴ کشور متفاوت بودند که صرفاً ۳۲ نفر آنان از آلمان بوده‌اند. از ۱۸ کشور تنها یک دانش‌آموز به عنوان نماینده حضور داشتند. به خاطر ایجاز و نیز به مقاصد آماری کلیه کشورها را در ۴ ناحیه جغرافیایی طبقه‌بندی نمودیم که شامل کشورهای بالتیک و اسکاندیناوی و فنلاند و ایسلند (Nordic and Baltic) که تعدادشان ($N=39, 13,5\%$) اروپا و آمریکای شمالی ($N=139,48,1\%$) آسیا ($N=60,20,8\%$) آفریقا ($N=51,17,6$) است. مقولات با استفاده از اصلاحاتی در کار Bochner and Furnham (۱۹۸۲) صورت پذیرفته است. $P: 321$

۳- مراحل تحقیق

مشارکت کنندگان از یک فهرستی از دانش‌آموزان بین‌الملل در UIB در نیمسال بهار ۱۹۹۸ برگزیده شدند. یک پرسشنامه ساخت یافته ۱۲ صفحه‌ای از طریق پست برای هر کدام از دانش‌آموزان بین‌الملل فرستاده شد. پرسشنامه‌ها از طریق دفتر دانش‌آموزان خارجی دانشگاه (OFS) توزیع شد. اما مستقیماً به سرپرست این پروژه تحقیقی از طریق پست برگردانده شد. این عمل سبب شد که دانش‌آموزان (پاسخگو) تا حدی ناشناخته بمانند. در اولین صفحه از پرسشنامه حاوی اطلاعاتی درباره اهداف این تحقیق به دانش‌آموزان بود تا پاسخگویان با انگیزه بیشتری پاسخ دهند و اینکه بدانند که پاسخها مخفیانه انگاشته می‌شود.

۴- مقیاس‌ها:

وسایل اندازه‌گیری مورد بررسی یا برای همین تحقیق طراحی شده‌اند و یا از طیف‌های موجود چه به صورت مستقیم یا با ایجاد اصلاحاتی، استفاده گشته است؛ که توضیح آن خواهد آمد. بجز شاخصهای جمعیتی تقریباً در تمام شاخص‌های گزارش شده از طیف ۵ قسمتی لیکرت استفاده گردیده است.

۵- متغیرهای جمعیت‌شناختی:

این مشتمل بر جنس، سن، کشور شهروندی، مدت زمان اقامت در نوروژ به سال و تعداد نیمسال‌هایی که به عنوان دانشجو در دانشگاه بوده است.

اینک متغیرهای تحقیق و نحوه سنجش آن‌ها را ارائه می‌نماییم

♣ اطلاعات دریافت شده:

یک طیف مشتمل بر شش معرف ($\alpha = 0.68$) برای این تحقیق استفاده شده است. مشارکت کنندگان گستره خشنودی و یا ناخشنودی خود را در رابطه با اطلاعات اولیه دریافت شده از جنبه‌های مختلف زندگی در کشور نوروژ بیان می‌کردند که این جنبه‌ها مشتمل بر اطلاعاتی مالی، دانشگاهی زندگی اجتماعی، اقامت یافتن و موضوعات عملی بود. پاسخگویان با مثالهایی از موضوعات مختلف همچون انواع اقامت، وضعیتی از دانشگاه و ... جنبه‌های مختلف اطلاعات را تشریح می‌نمودند. پاسخها از بسیار ناراضی تا بسیار راضی دسته‌بندی شده بود.

♣ مهارت زبانی:

این طیف میزان تخصص یا تبحر را در زبان انگلیسی و نوروژی ارزیابی می‌نماید و بهبود یافته (طرح) Berry، Westin (۱۹۹۴) Virta, Sam, Sabatier, Phinney, Liebkind, Kwak است. پاسخگویان آنچه را می‌فهمیدند، صحبت می‌نمودند، می‌خواندند و می‌نوشتند چه نوروژی و چه انگلیسی، میزان آن را آشکار می‌نمودند. پاسخها در مقولاتی از هرگز تا بسیار زیاد بود. و میزان سازگاری درونی آن ۹۶٪ و ۹۵٪ به ترتیب برای زبان نوروژی و زبان انگلیسی بود.

♣ فشار دانشگاهی :

طیف اصلاح شده‌ای بود که توسط Berry et al (۱۹۹۴) و نیز Sam (۱۹۹۴) توسعه یافت. ... [بقیه مطالب از چاپ افتاده است. در اصل منبع نیز اینگونه است].

♣ پول در دسترس :

در این خصوص تنها یک سوال از دانش‌آموزان پرسیده می‌شد و آن اینکه خواسته می‌شد در مجموع وضعیت مالی خود را ارزیابی نمایند. چنانچه بسیار ناراضی باشند. (۱) و چنانچه بسیار راضی می‌باشد (۵) در نظر گرفته می‌شود.

♣ رضایت از زندگی:

این سازه از طریق ۵ معرف که طیفی بود که توسط Larson, Diener, Emmons و Riffn (۱۹۸۵) اصلاح شده بود. گویه‌های نمونه در این طیف از این قرار بود.

« من از زندگیم خشنودم» یا « چنانچه قرار باشد به زندگیم ادامه دهم هیچ چیزی را تغییر نخواهم داد»

دسته‌های پاسخ از بسیار مخالف تا بسیار موافق بود. همسازی درونی برای این طیف ۸۴٪ بود گویه‌ها (Indices) برای طیف‌هایی که از سه معرف و یا تعداد بیشتری معرف ساخته شده بود؛ ایجاد شده بود. این گویه‌ها مبتنی بر میانگین نمراتی از ۷۵٪ تا ۸۰٪ بود که مربوط به نمرات شاخص اعتبار آنان بود (p: ۳۲۲ , ۳۲۴)

۶- نتایج تحقیق :

تحلیلهای Post - hoc (Tukey ' s HSD) مشخص نمود که دانش آموزان اروپایی و نیز آمریکای شمالی بیشترین رضایت از زندگی را داشتند. دانش‌آموزان آسیایی و آفریقایی کمترین رضایت از زندگی را داشتند. P: ۳۲۴

به منظور فهم عواملی که Swl (مربوط به دانش آموزان بین‌المللی) را تحت تأثیر قرار می‌دهند یک سری از رگرسیونهای چندگانه به کار گرفته شد. P: ۳۲۵

مطالعات صورت پذیرفته درباره Swl حکایت از آن دارد که اغلب مردم با بی‌اعتنایی نمره‌ای را که بالاتر از نقطه میانی طیف است را برای نمره‌دادن برمی‌گزینند (Inglehart and Rabier, ۱۹۸۶; Veen hoven , ۱۹۹۴ , P: ۳۲۹ & ۳۳۰)

با این وجود ما می‌توانیم به سه عامل اصلی اشاره نماییم تعداد دوستان - اطلاعات دریافت شده و احساس تبعیض که در Swl در بین دانش‌آموزان کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است

این حائز اهمیت است که بدانیم رابطه رضایت از زندگی با وضعیت مالی برای دانش‌آموزان کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته مهمتر است P: ۳۳۰

داشتن تعدادی دوست معمولاً کارکرد حمایت اجتماعی دارد و حمایت اجتماعی نیز در حکم یک نیروی محافظ است در برابر فشارهای روانی (استرس) که ملازم زیستن در یک فرهنگ بیگانه است و لذا سبب افزایش رضایت از زندگی می‌شود (Furnham and Shiekh, ۱۹۹۱) P: ۳۳۱

بر خلاف انتظار، داشتن دوستی از کشور میزبان میزان رضایت از زندگی فرد را افزایش نمی‌دهد. یافته مذکور سازگار با مطالعات تحقیقات پیشین نبوده است. P: ۳۳۱ (see klineberg and Hull , ۱۹۷۹)

میزان تکلیفی که یک دانش‌آموز دارد (یعنی تعداد ساعاتی که در مطالعه می‌گذراند) Swl را پیش‌بینی نمی‌کند. با این وجود فشار روانی (استرس) در فرآیند انجام تکلیف مثلاً مشکلات فهم کنفرانس اثر منفی بر رضایت از زندگی فرد دارد. همچنان که دانش‌آموزان، سطوح بالاتر تحصیلی را طی می‌کند بر این نکته آگاه می‌شود و آماده می‌باشد که ساعات متمادی را برای مطالعه در نظر بگیرد. خالی از لطف نیست که بدیند نمرات امتحانی بالا انعکاس ساعات درس خواندن

می‌باشند. به عبارت دیگر مثلاً مشکلات فهم کنفرانسها سبب می‌شود که دانش‌آموزان قدری نگران اتمام موفقیت‌آمیز برنامه درسی‌شان شوند. P: ۳۲۱ & ۳۳۲

تسلط زبانی انگلیسی و در این‌جا نروژی تأثیرش بطور معنادار بر SWL دانش‌آموزان بین‌المللی محرز نشد، در حالی که ما چنین انتظاری نداشتیم (با توجه به مطالعات میان فرهنگی پیشین) P: ۳۳۲

نکته دیگر اینکه در بین دانش‌آموزان آفریقایی و آسیایی احساس تبعیض درک شده با رضایت در زندگی کاملاً مرتبط است. P: ۳۳۲

این نکته نیز شایان توجه است که عواملی که به عنوان عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی دانش‌آموزان بین‌المللی ذکر شدند مبتنی بر همبستگی است و الزاماً علی نیست. P: ۳۳۳

۲-۱-۲ : Mcintosh. ۲۰۰۱

محقق به ارئه مقاله ای تحت عنوان « گزارشی از اعتبار سازه‌های از طیف رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی» پرداخته است. بنیان و اساس این مقاله بر نقد و نظریات (pavot et al., ۱۹۹۸) استوار است نویسنده بر pavot دو ایراد وارد می‌داند: ایراد اول بر تکنیک آماری اتخاذ شده توسط Pavot و همکارانش است (pavot et al ۱۹۹۸) زیرا که آنها برای رسیدن به یک راه حل سه عاملی از چرخش قطری از نوع varimax استفاده نموده بودند اما توصیه نویسنده مقاله این است که چرخش مایل oblique rotation در این مورد مناسبتر است P: ۳۸

البته نویسنده مقاله در ادامه از توضیحی روشن درباره نکته فوق اجتناب می‌کند و به مسائل دیگر می‌پردازد. ایراد یا انتقاد دوم بر کار (pavot et al ۱۹۹۸) که هدف دوم مقاله مذکور است؛ بیان این نکته است که میزان همگرایی میان Tswls و دیگر اندازه‌های swb، یک بعد زمانی خاص را که امتحان و توجه نشده است را وارد نموده‌اند و لذا دومین هدف این تحقیق را تعیین نمودن این نکته می‌داند که آیا سه بعد Tswls (گذشته - حال و آینده) با ابعاد نظیرش در swb همبستگی دارند خیر P: ۳۹ که نهایتاً فتوا به همبستگی آنها می‌دهد P: ۳۷

اما توضیحی درباره چند طیف معرفی شده در این مقاله:

Tswls: (pavot et al., ۱۹۹۸) اقدام به ابداع ویرایش اصلاح شده‌ای از Swls نمودند و آن را Tswls نام نهادند که تفاوت آن با نسخه Swls این است که درسنجش رضایت از زندگی با طیف Tswls ابعاد زمانی در نظر گرفته می‌شود P: ۳۷

SASS: طیف دیگری که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت طیف SASS یا self - Anchoring striving scale است که مناسب است آن را طیف تلاش در جهت معرفی خود نام بگذاریم: در طیف مذکور ابتدا از افراد

درخواست می‌شود که شرحی از بهترین حالات ممکن که در آن تمام امیال و آرزوهای او محقق گشته را بنویسند و نیز در مقابل شرحی از بدترین حالات ممکن که در آن تمام ترسها و اضطراب‌ها روی می‌دهد را بنویسند. سپس به پاسخگو می‌گویند اگر برای حالات نخست حداکثر نمره ۱۰ و برای حالات دوم حداقل نمره ۰ را بخواهیم منظور نماییم.

به مرتب نمودن وضع موجود خود بر روی یک سلسله مراتب (از ۰ تا ۱۰) اقدام نمائید. P: ۴۱

SWB: گر چه در جای جای این مقاله از طیف SWB سخن به میان آمده؛ اما توضیح روشن و آشکاری درباره آن ارائه نشده است لیکن گفته شده که در این طیف به علت داشتن چشم‌اندازهای زمانی در اندازه‌گیری اجزایش، کار از دقت بالا تری برخوردار است. P: ۳۷

نیز به نظر می‌رسد Tswls و SASS زیر مجموعه SWB باشند. P: ۴۷

در این تحقیق TSWLS که مشتمل بر سه خرده طیف رضایت از زندگی در گذشته، رضایت از زندگی در حال، رضایت از زندگی در آینده است هر کدام از ۵ معرف و با استفاده از طیفی که در شکل لیکرت است و از کاملاً ناراضی «۱» تا کاملاً راضی «۷» می‌باشند. تهیه شده است معرفهای TSWLS همگی دارای بارارزشی مثبت بوده و لذا نمرات بالاتر هر فرد بیانگر رضایت از زندگی بیشتر در او است P: ۴۱ البته آنچه در اینجا شایسته است مورد توجه قرار گیرد این است که مثبت بودن بار ارزشی گویه‌ها، ممکن است سبب شود دقت پاسخگو کم گردد. P: ۳۹ زیرا اصولاً افراد تمایل به موضع‌گیری مثبت و همنوایی با گویه را دارند.

برخی نکات که البته در این تحقیق به صورت حاشیه‌ای مورد اشاره قرار گرفت ولی شاید دارای اهمیت باشد عبارتند از:

الف: رضایت از زندگی در حوزه‌ای خاص متأثر از رضایت از زندگی در حوزه‌های ویژه مانند رضایت از کار، رضایت از

اوقات فراغت، و نیز سلامتی است. P: ۵۳ (Diener et al . ۱۹۹۹ Table I , P. ۲۷۷)

ب: رضایت از زندگی در این تحقیقات رضایت کلی از زندگی است و در این تحقیقات بر اساس معیارهای عمدتاً ذهنی اندازه‌گیری شده است و آن به این دلیل است که به مردم اجازه داده شود تا بر اساس نظام ارزشی شخصی خودشان، اهمیت هر حوزه‌ای از زندگیشان را بیان نمایند.

p: ۵۳ (cf. Diener et al ., ۱۹۸۵; Pavot and Diener , ۱۹۹۳)

ج میان مثبت نگری و رضایت از زندگی در زمان فعلی فرد پیوند و رابطه وجود دارد.

(e.g, Chang et al ., ۱۹۹۷ ; Lucas et al ., Marshal et al ., ۱۹۹۲)

و بر اساس آن رضایت از زندگی در زمان حال و آینده به یکدیگر مرتبط است.

و بحث‌های متقاعد کننده‌ای صورت پذیرفته که نتیجه آن این است که بین ساختار شخصیتی فرد در آینده و تجارب حال و گذشته وی رابطه‌ای است بلکه در واقع اولی مشتق شده و برخاسته از دومی است.

(e f . cottle and Klineberg, ۱۹۷۴; Fraisse, ۱۹۶۳).

♣ ۱- چکیده: در این تحقیق اعتبار سازه‌ای و عاملی^۱ طیف رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (TSWLS; Pavot, Diener and Suh, ۱۹۹۸) که طیف مذکور به منظور سنجش رضایت از زندگی در گذشته، رضایت از زندگی در حال و نیز آینده استفاده می‌شده است.

نمونه مورد نظر ۲۲۳ نفر از دانشجویان روانشناسی بودند که سه طیف Tswls و نیز SWB که بیانگر مقدار کلی از سعادت ذهنی در گذشته، حال و آینده و نیز SASS که مقیاس تلاش در جهت معرفی خود است؛ در مورد آنها مورد ارزیابی قرار گرفت، [سه مقیاس مذکور برای سنجش رضایت از زندگی استفاده می‌شوند و در این تحقیق میزان همگرایی این سه مقیاس سنجیده می‌شود].

نتایج تحلیل ساختار کوواریانس یک مدل سه عاملی (رضایت از زندگی در گذشته، حال و آینده به مثابه عاملهایی متمایز و در عین حال مرتبط) را مورد حمایت و تأیید قرار داده. و نیز نشان داده شد که هر یک از ابعاد گذشته حال و آینده مربوط به TSWLS تا حد بسیار زیادی با متناظر آن در مقیاس کلی swb و نیز SASS مرتبط هستند که در این مقاله ادله نظری و عملی به بحث کشانده شده است.

♣ ۲- رضایت کلی از زندگی که می‌توان به عنوان رضایتمندی کلی یک فرد از زندگی (okun, ۱۹۸۷: ۳۹۳)

تعریف گردد؛ یک جنبه یا بخش به خوبی تحقیق شده از SWB بوده است. (برای اطلاعات بیشتر در این حوزه مراجعه نمائید به (Diener et al., ۱۹۹۹; Kahneman et al., ۱۹۹۹) در حال حاضر یکی از مشهورترین وسایل خود گزارش دهی (یعنی گزارش توسط خود پاسخگو selfreport) برای اندازه‌گیری رضایت از زندگی، طیف رضایت از زندگی است (SWLS; Diener et al ۱۹۸۵) که در امر روان‌سنجی دقیق است. See, e. g., Arrindell, ۱۹۹۳; Pavot and Diener, ۱۹۹۶; Lucas et al., ۱۹۹۹ et al.

اخیراً Pavot و همکارانش (pavot et al., ۱۹۹۸) ویرایش جدیدی از (swls) را به نام طیف رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی (Tswls) را توسعه داده‌اند که رضایت از زندگی را در گذشته، حال و آینده اندازه‌گیری می‌نماید.

همچنانکه گفته شد (طیف) swb یک متغیر کاملاً ثابت و استوار نیست (ef. Veenhoven, ۱۹۹۴) طیف مذکور به علت داشتن یک چشم انداز زمانی در اندازه‌گیری اجزایش. نتایج دقیق‌تری را ایجاد می‌نماید . (chamberlain, ۱۹۸۸; paot et al ., ۱۹۹۸) به علاوه در یکی از بررسی‌های اخیر نشان داده شده که توجه زیاد مردم بر جنبه‌هایی از گذشته در برابر زمان حال [ونیز بر عکس] سبب ایجاد درجات متفاوتی از swls شده است.

(Beile and Neidenthal, ۱۹۹۸) بعلاوه (Diener et al ۱۹۹۹) در آخرین بازنگری که در مورد swb داشتند توصیف آنها از سازه رضایت از زندگی یک تمایز در مقاطع زمانی گذشته، حال و آینده وجود دارد. (Table I, P.۲۷۷) لذا در اندازه‌گیری رضایت از زندگی یک جزء مقطعی نیز وارد شده است که سبب دقت و توجه تجربی بیشتر می‌گردد.

شایان توجه است که گر چه سعادت ذهنی کلی (SWB) که مشتمل بر یک توجه زمانی است مورد توجه و توسعه قرار گرفته است (e. g; Kilpatrick and Cantril. ۱۹۶۰) اما حرکت نوین به سوی اندازه‌گیری اجزاء SWB (اثر + و رضایت از زندگی) بصورت مجزا است.

Lucas et al ., ۱۹۹۶; Diener et al ۱۹۹۹) مراجعه نمائید). P : ۳۷ & ۳۸

♣۳- در بررسی اخیر نسبت به ویژگیها و قابلیت‌های روان‌سنجی از Tswls توجه بیشتری شده است که در حالیکه از زمان (pavot et al ۱۹۹۸) هیچ کار منتشر شده‌ای رخ نداده است در یک مجموعه از سه بررسی (pavot et al ۱۹۹۸) برای طیف‌هایشان اعتبار و روایی خوبی ملاحظه شد. با این وجود همچنانکه توضیح خواهیم داد؛ دو محدودیت عمده در تحقیق آنها وجود دارد که شایسته است مورد پیگرد قرار گیرد.

نکته قابل توجه مربوط به ساختار عاملی Tswls است : در ارزیابی طیف (۲ study , ۱۹۹۸) pavot et al یک نکته‌ای که شایان توجه است این است که برای رسیدن به یک راه حل سه عاملی (رضایت از زندگی در گذشته حال و آینده) به لحاظ تکنیک آماری از چرخش قطری از نوع varimax استفاده نمودند در حالیکه به نظر می‌رسد گردش مایل^۹ در این مورد مناسبتر است مراجعه نمائید به (Tabachnick and Fidell, ۱۹۹۲, comrey and lee , ۱۹۹۶, chap۱۳) با این وجود به دلایل ذیل از زیرطیف‌های Tswls انتظار همبستگی متقابل وجود دارد.

نکته اول: از یک خاستگاه صرفاً آماری: همسازی درونی بالای طیف Tswls که در آن (آلفا بین ۰,۹۱ تا ۰,۹۳

است)؛ بیانگر این است که مقدار قابل ملاحظه‌ای اشتراکات میان پاسخهای سه زیر طیف وجود دارد.

نکته دوم: برخی بررسی‌ها سازگاری مقطعی قابل ملاحظه‌ای را در swb آشکار نمودند. (Diener et al. ۱۹۹۹)

۲۸۰-۲۷۹ نیز به (shmotkin ۱۹۹۱) که نکته مذکور به خاطر استواری و ثبات در برخی از سرچشمه‌های اصلی swb است (به عنوان مثال ثبات ویژگیهای شخصیتی) نیز مراجعه نمائید به (Diener and lucas, ۱۹۹۹) و به این دلیل است که محتمل بنظر می‌رسد مولفه‌های گذشته و حال از Tswls تا حدی با هم مرتبط باشند

نکته سوم: پیوند میان مثبت‌نگری و رضایت از زندگی در زمان حال (e. g., chang et al ., ۱۹۹۷; lucas)

۱۹۹۲, Marshall et al ., ۱۹۹۶; et al .,) بیانگر این است که رضایت از زندگی در زمان حال و آینده با یکدیگر مرتبط است. و در پایان بحث‌های متقاعدکننده‌ای انجام پذیرفته است درباره اینکه ساختارهای شخصیتی در آینده تا حد زیادی از تجارب گذشته و حال وی مشتق و نتیجه گردیده است.

(Fraisse, ۱۹۶۳; ۱۹۷۴, cottle and klineberg . cf) زیرا قضاوت در باره رضایت از زندگی به صورت

یک پیوستار زمانی است در مجموع لازم است که رضایت از زندگی در گذشته، حال و آینده را به عنوان هویت‌های نسبتاً متمایز در نظر بگیریم . P : ۳۸ & ۳۹

۴- با توجه به آنچه مورد بحث قرار گرفت ساختار عاملی مناسب برای Tswls مشتمل بر رضایت از زندگی در

گذشته، حال و آینده است که در عین حال که با هم همبستگی دارند مع‌الوصف ساختارهای متمایزی دارند. لذا اولین هدف این بررسی، تعیین تجربی موفقیت این مدل برای Tswls است.

در این تحقیق با توجه به ارزیابی اعتبار عاملی Tswls امکان ورود یک چشم‌انداز زمانی در مفهوم رضایت از

زندگی فراهم گردیده است (Diener et al ., ۱۹۹۹; Pavat et al ., ۱۹۹۸)

(chamberlain ۱۹۸۸: ۵۹۳ ۵۹۴) اشاره به این نکته داشته‌اند که گر چه وجود یک چشم‌انداز زمانی در اندازه‌های

swb متحمل است که سبب افزایش دقت در پاسخ دادن گردد، اما جهت‌گیری زمانی را نمی‌توان به عنوان یک عنصر

اصلی و ذاتی از swb در نظر گرفت. برای تعیین اندازه‌های Tswls باید ابعاد نسبتاً مستقل سه گانه از رضایت از

زندگی را در این مسیر دنبال نمود. بعلاوه آزمودن تمایزات موجود در خرده مقیاس‌های Tswls توجه به این موضوع

دارد که پاسخ یا واکنش محتمل ابزار اندازه‌گیری را تعیین می‌کند. از آنجائیکه معرفهای Tswls همگی بصورت مثبت

ساخته شده‌اند PAVOT و همکارانش (۱۹۹۸:۳۴۳) به این نکته اشاره نمودند که موافقت محض پاسخگو با گویه می‌تواند پاسخگویان بطور بالقوه را تحت تأثیر قرار دهد.

۵- دومین محدودیت کار تحقیقی Pavot et al ۱۹۹۸ این است که میزان همگرایی میان Tswls و دیگر مقیاس‌های swb یک بعد زمانی خاص را که امتحان و توجه نشده است؛ را وارد نموده‌اند. لذا این تحقیق در صدد است که یک تست مفید دیگری از اعتبار سازه‌های Tswls را ایجاد نماید. پس دومین هدف این تحقیق، تعیین نمودن این نکته است که آیا سه بعد Tswls بصورت متمایز با ابعاد نظیرش در swb که به طور ویژه حال و گذشته و آینده را در بر می‌گیرد همبسته هستند. طیف تلاش در جهت معرفی خود (SASS; Kilpatrick and Cantril, ۱۹۶۰) P: ۳۹-۴۰

۶- پاسخگویان و مراحل تحقیق

۲۲۳ نفر که مشتمل بر ۶۹ مرد و ۱۵۲ زن (۲ نفر جنسیت خود را اعلام نکردند) از میان دانشجویان رشته روانشناسی از دانشگاه Saskatchewan دوره لازم برای مشارکت در این تحقیق را گذراندند. میانگین نمونه به لحاظ سنی ۱۹/۲۷ (SD= ۲,۳۱) است. مشارکت کنندگان به عنوان جزئی از یک پرسشنامه بزرگتر به تکمیل Tswls و SASS مبادرت ورزیدند در حالی که در گروه‌های بین ۱۰ تا ۱۵ نفر بودند و تقریباً ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به طول انجامید محققان به اختصار توضیح دادند که تحقیق در واقع «بررسی سطوح عمومی رضایتمندی و نارضایتمندی دانشجویان در زندگیشان» است. و بر این نکته تأکید داشتند که شرکت در این تست‌ها اختیاری است و نیز پاسخگویان ناشناخته هستند و...

۷- اجزاء و مقتضیات تحقیق

طیف رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی (Tswls): این طیف مطابق نظر (Pavot et al ۱۹۹۸) مشتمل بر سه خرده طیف است. (رضایت از زندگی در گذشته رضایت از زندگی در حال و رضایت از زندگی در آینده) و هر کدام از پنج معرف و با استفاده از طیفی که در شکل لیگرت است؛ ساخته شده است. پاسخها از کاملاً ناراضی «۱» تا کاملاً راضی «۷» می‌باشند. شاخصهای Tswls همگی دارای بار ارزشی مثبت بودند نمرات بالا بیانگر رضایت از زندگی بیشتر بود. آنچه باید مورد دقت قرار می‌گرفت این بود که این طیف نباید مشارکت کنندگان [پاسخگویان] را به دوره‌ای خاص متوجه نماید؛ تا قضاوت درباره رضایت از زندگی صورت گیرد. بلکه می‌بایست شرایط هر یک از زمانهای گذشته، حال و آینده را به خودی خود مستقل از دیگر زمانها مورد توجه قرار می‌دادند. P : ۴۰-۴۱

۸- طیف تلاش در جهت معرفی خود SASS

طیف SASS (Kilpatrick and cantril, ۱۹۶۰) وسیله ای است که از طریق یک معرف برای اندازه‌گیری کلی swb مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طیف SASS ابتدا از مشارکت کنندگان درخواست می‌گردد که متنی را که مبتنی بر بهترین و بدترین شرایط زندگی از نظر آنان است؛ را بنویسند (یعنی self – anchoring) سپس تصویری از یک سلسله مراتب که در انتهای آن صفر و در بالای آن ۱۰ بود ارائه می‌گردد. نمره صفر حاکی از بدترین زندگی ممکن برای شما و نمره ۱۰ حاکی از بهترین زندگی ممکن برای شما است. از آنان خواست شده بود که با توجه به تصورشان از زندگی کنونی، وضعیت خود را در آن سلسله مراتب روشن نمایند. و به همین ترتیب وضعیت‌های خاصی در گذشته و آینده نیز در نظر گرفته می‌شد به منظور تشخیص swb در هر چهارچوب زمانی از یک معرف استفاده شده در پنج سال گذشته و به قبل، از نسخه یا ویرایش اصلی SASS که بوسیله (kilpatrick and cantril ۱۹۶۰) پدید آمده بود چهارچوبهای زمانی برای اندازه‌گیری میزان swb برای گذشته و آینده بصورتی متمایز وضع نموده شد بدیهی است که این راهکار می‌تواند بر طبق اهداف این تحقیق بهبود دارد.

از SASS بطور نسبتاً وسیع در چهار دهه گذشته استفاده می‌شده است.

(e. g., Anderews and withey , ۱۹۷۶; Beckie and Hayduk, ۱۹۹۷; Braungart and Braungart, ۱۹۹۶; cantril , ۱۹۹۱, ۱۹۹۲; penckofer and Holm. ۱۹۸۴; Roessler , ۱۹۷۸ a, ۱۹۷۸ b, shmotkin, ۱۹۶۵)

و نیز SASS دارای validity و reliability خوبی بوده است یک نسخه تا حدی اصلاح شده از SASS در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

نکته نخست: به جای اینکه دربارهٔ ”وضعیت خود“، با یک مجموعه‌ای از گزاره‌ها درباره بهترین و بدترین زندگی ممکن پرسیده گردد، شرکت کنندگان به سمت یک شناختی از کیفیت زندگیشان جهت داده می‌شوند: «در ذیل تصویری از یک سلسله مراتب است. بالاترین قسمت این سلسله مراتب را برای بهترین زندگی ممکن که شما می‌توانید برای خود تصور کنید در نظر بگیرید به آن نمره ده، و آن حالتی است که تمام آرزوهای شخصی شما، امیدهایتان و رویاهایتان برآورده شده باشد. و از دیگر سو در پایان این سلسله مراتب بدترین زندگی ممکن را که می‌توانید تصور نمائید نمره صفر دهید و آن حالتی است که تمام ترسها و نگرانیها رخ دهد. سپس به سوالات زیر پاسخ دهید و نمره مناسبی را برای هر یک وضع نمائید» این دستورالعمل‌ها بر مبنای طیف self _ anchoring از ویرایش اصلی SASS است و در آن از پیوستاری که توسط خود فرد تعریف می‌گردد استفاده شده است.

(kilpatrick and cantril , ۱۹۶۰: ۱۵۸ italics in original) رویکردی که بوسیله این نویسندگان مورد حمایت قرار می‌گیرد. آشکار است که طیف SASS یک وسیله مناسب برای اندازه‌گیری خوشبختی^۳ بدون اینکه دارای سوالات باز در زمینه معرفی خود باشد.

(e. g., Andrews and withey , ۱۹۷۶; Beckie and Hayduk, ۱۹۹۷; Shmotkin, ۱۹۹۱,۱۹۹۲)

دومین نکته: اینکه یک دوره زمانی ویژه برای زمان «گذشته و آینده» در SASS مشخص نشده بود. بعلاوه شرکت کنندگان گذشته و آینده خود را به خودی خود به طور دلخواه تعیین نموده بودند (c.f. زمان ذهنی, Doob, ۱۹۷۱) این استراتژی به این خاطر اتخاذ شده بود که بتواند پاسخهای SASS را نسبت به آنچه در Tswls بر حسب چهارچوبی زمانی رخ می‌داد، مستقیم‌تر قابل مقایسه کند بنابراین در مقیاس Tswls نمرات بالاتر همان نمرات بالاتر در SASS, SWB است. P : ۴۱ & ۴۲

نتایج

♣ ۹- به منظور مشخص نمودن میزان تبیین داده‌های موجود با مدل سه قسمتی (رضایت از زندگی رضایت از زندگی در گذشته، حال و آینده که عواملی متمایز و در عین حال مرتبط هستند). یک تحلیل عامل اکتشافی با استفاده از برنامه EQS (version ۵,۷ b; Bentler, ۱۹۹۸) استفاده شد. P : ۴۲

♣ ۱۰- [در راستای بررسی متد برآورد و شاخص‌های پردازش استفاده شده] از شاخص CFI که شاخص برازش مقایسه‌ای (Comparative Fit Index) استفاده شده است. P : ۴۲

که میزان آن در بازه ۰ تا ۱ است که در این تحقیق میزان آن ۰,۹۰ و بالاتر است که بیانگر یک برازش خوب است.] هر چه به ۱ نزدیکتر باشد حکایت از برازش بهتر دارد. P : ۴۳

♣ ۱۱- نخستین تست برای مدل: نتایج نشان داد که تمام پارامترهای مدل معنادار بودند (p:۴۴)

ضرایب آلفا برای فاکتورهای رضایت از زندگی در گذشته، حال و آینده به ترتیب ۰,۸۶ و ۰,۷۸ و ۰,۵۸ بودند که بیانگر یک سازگاری یا همسازگی درونی خوب است P:۴۵

♣ ۱۲ - درباره همگرایی بین Tswls و SASS: شاخص‌های برازش نشانگر برازش خوب با داده‌ها را دارد زیرا:

$$RMSEA = ۰,۰۹ \quad cfi = ۰,۹۲$$

[ریشه مربع میانگین خطای تخمین RMSEA : RMSEA= Root Mean Squared Error of Approximation]

P:۴۲

از آماره RMSEA به منظور ارزیابی برازش مدل استفاده می‌شود که مطابق نظر (steiger ۱۹۹۰) و نیز (۱۹۹۳) Browne and cudeck چنانچه میزان آن ۰,۰۵ یا کمتر باشد بیانگر برازش بسیار خوب است اگر میزان آن تا ۰,۰۸ باشد نشان دهنده برازش قابل قبول و چنانچه بزرگتر از ۰,۱۰ باشد بیانگر این است که مدل غیر قابل دفاع است P:۴۳

[البته با توجه به اینکه برنامه آماری EQS در ذیل رویکرد SEM (sturctural Equation Modeling) است و رویکرد SEM در واقع Theory Directed است بر خلاف غالب رویکردهای آماری که Method Directed است که در آنها عمدتاً تفسیر با استفاده از ضرایب آماری است در رویکرد Theory Directed تئوری محقق و مقتضیات آن نیز حائز کمال اهمیت است لذا مشاهده می‌کنیم که گر چه میزان RMSEA در این تحقیق ۰,۰۹ است و مطابق توصیه Cudeck and Browne و steiger چندان مطلوب نمی‌باشد اما محقق مقاله میزان ۰,۰۹ را در این تحقیق و با توجه به مقتضیات تئوریک آن خوب ارزیابی کرده است.]

♣ ۱۳- جنسیت تأثیری بر پاسخگویان در میزان swb ندارد. نیز اکثریت تحقیقاتی که در این حوزه نیز آورده شده مویدان است بویژه تحقیق (pavot et al ۱۹۹۸) که درباره طیف Tswls صورت پذیرفت P:۴۹

۲-۱-۲-۵ : Disch & etal. ۲۰۰۰

محقق در تحقیقی تحت عنوان « عملکرد دانش آموز، امور مرتبط با آن و خوشبختی فردی - اجتماعی » به بررسی کیفیت زندگی و رضایت در بین چهارصد و شصت و هفت هزار نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه Rhode در ایسلند پرداخته شده است تا روابط میان متغیرهای اصلی و امور مرتبط با آن و حوزه‌های با اهمیت را بررسی نماید؛ و نیز قصد اندازه‌گیری رضایت شخصی - اجتماعی و خوشبختی فردی را دارد. P: ۴۱

این تحقیق به ویژه در ارتباط با جوانان و دانشجویان به بررسی روابط بین کیفیت زندگی و خشنودی از سویی و ترکیبی از عوامل فردی - اجتماعی، شناختی و رفتاری می‌پردازد.

(Harlow & Newcomb ۱۹۹۰) نشان دادند که هفت عامل عمده دارای تأثیری مثبت و دو عامل دارای تأثیری منفی هستند. عوامل مثبت مذکور عبارتند از: هدف در زندگی، فرصتهای دریافت شده، رضایت کاری، سلامت، دوستان، خانواده و روابط صمیمی و دو عامل منفی نیز که شامل فقدان قدرت و احساس تهی بودن^{۱۰} است. که متغیرهای مذکور مدلی را فراهم می‌آورند که به زندگی جوانان معنی می‌بخشد. P: ۴۸

این تحقیق بر مبنای دو سوال اصلی است که یکی از آنها که مرتبط با کار تحقیقی ما است عبارت است از:

«مهمترین متغیرهایی که قابلیت پیش‌بینی خوشبختی فردی» را دارد چیست؟ و در نهایت این تحقیق در نظر دارد که با استفاده از نتایج آن به بهبود ویژگیهای روان‌سنجی کیفیت زندگی و رضایت دانش‌آموزان یا به اختصار SQOLAS پردازد. P: ۴۹

در این تحقیق متغیرهای جمعیت شناختی زیادی مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از: سن، جنس، تعداد فرزند، قومیت، وضعیت شغلی، ساعات کار، میزان آموزش رسمی فرد، مقطع تحصیلی، وضعیت فارغ‌التحصیلی دانش‌آموز، ورود مجدد دانش‌آموز [به یک مقطع تحصیلی جدید] و اینکه چند سال بین آموزش قبلی و زمان فعلی فرد فاصله شده است. ۵۱: P در این تحقیق برای مقیاس خوشبختی معنوی^{۱۱} یا SWBS بر طبق نظر (Ellison. ۱۹۸۳) دو خرده مقیاس تعریف شده است. اما آنچه پیش از آن قابل ذکر است اینکه در تعریف SWB هیچ تعریف خاصی را ذکر نکرده است به این منظور که پاسخگو از یک گستره وسیع و کلی به بازنگری میزان خوشبختی خود پردازد.

همچنانکه ذکر شد این طیف از دو خرده مقیاس تشکیل شده است: خوشبختی زیستی^{۱۲} و خوشبختی دینی^{۱۳}... در این تحقیق صرفاً از خوشبختی زیستی برای بررسی مقیاس کیفیت زندگی و رضایت استفاده شده است. در این تحقیق رضایت شخصی از طریق یک گویه که در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت آورده شده؛ پرسیده گشته است:

«شما به عنوان یک شخص چقدر از خودتان رضایت دارید؟» و پاسخها از بسیار راضی تا ناراضی بود. P: ۵۳

برخی نتایج این تحقیق قابل تلخیص در جدول ذیل است که بر اساس همبستگی پیرسون میان متغیرها ارائه می‌گردد. شایان ذکر است که کلیه روابط مذکور - که بخشی از فرضیات تحقیق است - معنادار می‌باشد و یا به عبارتی این فرضیات تأیید گردیده است.

رضایت فردی - اجتماعی	&	خوشبختی/جهت زندگی	$r = 0/61$
رضایت فردی - اجتماعی	&	عملکرد دانشگاهی	$r = 0/26$
رضایت فردی - اجتماعی	&	فرایند شناختی عمیق	$r = 0/31$
رضایت فردی - اجتماعی	&	مشاوره قبلی	$r = 0/23$
رضایت فردی - اجتماعی	&	تمایل برای مشاوره بعدی	$r = 0/31$

P:

Spiritual well- being scale
Existential well- being
religious well- being

۲-۱-۳: مفاهیم مشابه رضایت از زندگی

۲-۱-۳-۱: دورکیم

«دورکیم درباره رابطه میان انسان و نیازها و اهداف یا آرزوهایش بحث می کند و معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها (و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها)، آنومی یا یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر (unlimited Aspirations) بوجود می آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد طبعاً نمی توانند ارضاء و اشباع شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می آید.» (رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸ (ب): ۱۸)

۲-۱-۳-۲: کونینگ

«به عقیده کونینگ در کشورهای توسعه نیافته یک شکل سنتی و پذیرفته شده از فقر وجود دارد که انسان به آن عادت کرده است. اما شرایط وقتی تغییر می کند، که از طریق گسترش وسائل ارتباط جمعی، یک نوع زندگی دیگر و مرفه تر (مثلاً با برنامه های تلویزیونی ...) تا اقصی نقاط جوامع تکامل نیافته رخنه می کند. در پی تضاد این دو عامل، نیازهای بی حد و حصر رشد می کنند و پس از آن، حرکت های ناگهانی رشد اقتصادی، بسیاری از مواقع یک وضعیت آنومی به شکل یک گم گشتگی فرهنگی جهشی (و از دست دادن هویت فرهنگی) را در پی دارد که نه فقط یک نارضایتی عمیق، بلکه علاوه بر آن نا آرامی های سیاسی گسترده ای را بوجود می آورد.» (رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸ (ب): ۲۶-۲۷)

۲-۱-۳-۳: آبراهام ماسلو - هرزبرگ

«بر اساس نظر ماسلو انسانها دارای پنج دسته نیازهای فطری (instinctoid) می باشند:

- ۱- نیازهای جسمی، Physiological Needs
- ۲- نیاز به ایمنی، Security, safety
- ۳- نیاز به روابط اجتماعی و محبت، Affiliation, Love
- ۴- نیاز به تأیید و احترام، Recognition, Esteem
- ۵- نیاز به خویشتن یابی، Self Actualization

(Maslow، ۱۹۷۷، ۸۵: به نقل از رفیع پور، ۱۳۷۸ (الف)).

باید متذکر شد که:

اولاً در هر یک از این دسته ها، تعدادی از نیازهای شبیه و نزدیک به هم جای می گیرند. مثلاً در دسته چهارم: نیاز به احترام نیاز به قدرشناسی، حفظ آبرو و غرور، کسب ارزش و منزلت و ... جای می گیرد.

ثانیاً ماسلو معتقد بوده است که این نیازها دارای یک سلسله مراتب هستند: نیازهای پایین یا دون و نیازهای عالی. یعنی برای انسانها ابتدا نیازهای جسمی (= نیاز پایین) مهم ند. بعد ارضاء نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی برای او مطرح می شود و بعد از آن " روابط " و بعد " احترام " تا بالاخره در انسانهایی که همه نیازهایشان برطرف شده است، نیاز متعالی به تفکر درباره معنی و محتوا (= به خود رسیدن) مطرح می شود.» (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸ (الف): ۴۱-۴۲)

بر اساس نظرات هرزبرگ با حذف عواملی که نارضایتی ایجاد می کنند؛ رضایت افراد به طور قابل ملاحظه ای بالا نمی رود . به تعبیری دیگر عواملی که رضایت ایجاد می کنند ؛ متمایز از عواملی هستند که نارضایتی را کم می نمایند. هرزبرگ عوامل رضایت آفرین را عوامل انگیزشی و عوامل نارضایتی آفرین را عوامل بهداشتی نامید . مطابق نظرات هرزبرگ - که در حوزه رضایت شغلی ارائه شده است - عواملی که سبب نارضایتی می گردند عوامل محیطی هستند ؛ مانند نامناسب بودن وضعیت نور ، دما ، هوای نا مطبوع و حقوق پایین که موارد مذکور چنانچه رفع گردد رضایت فرد را افزایش نمی دهد بلکه نارضایتی را کم می کند .

«عوامل رضایت زا که هرزبرگ از آنها تعبیر به عوامل بهداشتی می نمود؛ عواملی مانند موفقیت در کار، طبیعت کارانجام شده ، ارزشیابی و ارزش گذاشتند دیگران به کار ،مسئولیتی که فرد احساس می کند و ارتقائی که به دست می آورد کار ، قرار گرفتن در کل فرایند تولید و احساس مولد بودن است.» (توسلی ، غلامعباس . ۱۳۷۵ : ۱۴۳ [تلخیص شده]) نظرات هرزبرگ هرچند در حوزه رضایت شغلی است ؛ اما قابل تعمیم به حوزه رضایت از زندگی نیز است. حال چنانچه نظرات هرزبرگ و مازلو را بخواهیم با هم تلفیق نماییم می توان گفت نیاز های مرتبه یک و دو مازلو عمدتاً عوامل بهداشتی (به زبان هرزبرگ) و نیازهای مرتبه سه، چهار و پنج عمدتاً عوامل انگیزشی هستند .

۲-۱-۳-۴ : مرتون:

«از نظر مرتون احساس محرومیت نسبی، حالتی است روانی و احساس کمبودی است که فرد پس از مقایسه با فرد یا گروهی که برای او الگو مرجع مقایسه است، بروز می کند.» (مرتون، رابرت. ۱۹۶۸: ۲۶۸ . به نقل از صفدری، سلمان)

« اصطلاح محرومیت نسبی خود بحثی است که این مفهوم بطور بنیانی از این جهت نافع است که از آن می توان احساس عدم رضامندی را محاسبه کرد.» (مرتون، ۱۹۶۸، صفحه ۲۸۹ . به نقل از صفدری، سلمان) به نظر می رسد این حالت زماتی پدید می آید که گروه مرجع از مشروعیت بالایی در نزد فرد بر خور دار باشد ولی فاصله فرد تا آن زیاد باشد .

۲-۱-۳-۵: لوئیس کریزبرگ^{۱۴}

«لوئیس کریزبرگ در کتاب خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی تضاد اجتماعی» با استفاده از نظریه‌های متعدد سه منشاء اساسی را برای نارضایتی تعیین می‌نماید، این سه منشاء اگر چه از مناظر و دیدگاه‌های متعدد موضوع نارضایتی را مورد تدقیق قرار داده‌اند، اما اجمالاً بر یک نکته وفاق دارند و بر این نکته تأکید می‌کنند که منشاء نارضایتی را باید در نابرابری و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد. این سه منشاء یا سه نگرش متفاوت را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد: اولین نگاه بر اهمیت محرومیت مطلق در افراد تأکید می‌نماید.

نگاه دوم بر ناسازگاری بین موقعیتهای متفاوتی که افراد در زندگی اجتماعی خود با آن مواجه‌اند تأکید دارد و بالاخره نگاه سوم به تغییراتی که در طول زمان در آنچه که مردم دارند و آنچه که تصور می‌کنند باید داشته‌باشند، اشارت دارد. (کریزبرگ، ۱۹۷۳: ۶۸. به نقل از صفدری، سلمان)

درباره منشاء نخستین نارضایتی‌های اجتماعی افرادی مثل رالف دارندورف بر این امر احتجاج کرده و بیان می‌دارد: «مطمئناً محروم‌ترین افراد، بدترین احساس‌ها را دارند، آنها نیازی ندارند تا بدانند محروم هستند.» (کریزبرگ، ۱۹۷۳: ۶۸. به نقل از صفدری، سلمان)

«منشاء آگاهی از این محرومیت عموماً افراد پیرامونی یا افرادی که آنها را برای مقایسه مناسب می‌بیند، می‌باشند. منشاء دیگر نارضایتی شکاف و نارضایتی بین بخش‌های متعدد زندگی فردی است. که افرادی مثل «لنسکی» و «گافمن» نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند: نارضایتی ناشی از عدم توازن در مرتبت و منزلت، عدم هماهنگی و ناسازگاری در موقعیت‌های متفاوت است و باعث خواهد شد که افرادی که در بعضی ابعاد در رتبه بالا و در بعضی ابعاد دیگر در رتبه پایین قرار دارند و یا خود را چنین ارزیابی می‌نمایند، بطور مشخص ناراضی خواهند بود.» (کریزبرگ، ۱۹۷۳: ۷۰. به نقل از صفدری، سلمان)

«مردم در مواجهه با چنین شرایطی به دلایل متنوع دچار نارضایتی می‌گردند. فی‌المثل افراد مایلند در ابعاد متعدد زندگی شرایط مشابهی داشته‌باشند. «دلیل دیگر درباره ناسازگاری موقعیت که منشاء اعتراض و نارضایتی است این است که عدم توازن مردم را وادار کند که احساس کنند رتبه پایین آنها قابل اعتراض است.»

(کریزبرگ، ۱۹۷۳: ۷۱. به نقل از صفدری، سلمان)

^{۱۴} منبع اصلی مطالب آورده شده در این قسمت عبارت است از

Kerisberg, Louis. ۱۹۷۳. Sociology of social conflict. Printice- hall- publication. newjersey

که به نقل از صفدری، سلمان، ۱۳۷۴ و با اندکی تغییر و تلخیص آورده شده است.

«منشاء سوم نارضایتی از عدم پذیرش آنچه مردم دارند و یا فزونی در آنچه که انتظار دارند داشته باشند، ناشی می شود. عدم رضایت زمانی آغاز می شود که مردم در آنچه احساس می کنند باید و یا می توانند داشته باشند، نوعی افت را مشاهده کنند، این شکاف و یا اختلال، پایه های اساسی شورش، خشم، اضطراب و نارضایتی است.»

(کریزبرگ. ۱۹۷۳: ۷۶. به نقل از صفدری، سلمان)

«در این زمینه می توان سه نوع متفاوت از بروز شکاف بین انتظارات و دستیابی ها را از یکدیگر متمایز کرد، نوع A در حالتی است که انتظارات در طول زمان در حالت یکنواختی قرار دارد ولی دستیابی ها کاهش می یابد، در نوع B که با نظرات افرادی مثل دیویس و برینتون نزدیک است، بر این نکته تأکید دارد که این وضعیت پس از یک دوره شرایط مناسب به وقوع می پیوندد و نه پس از یک دوره طولانی شرایط نامناسب. زمانی که شرایط بهبود یافته رو به تزلزل و رکود می رود نوعی نارضایتی بروز می نماید، انتظارات افزایش یافته، امکان تحقق ندارند و چه بسا این شرایط در نهایت باعث بروز شورشها و جنبشهای اجتماعی گردد، آنچنان که گارودیویس در نظریه انقلاب خود بدان اشارت دارند. در نوع C، مردم انتظاراتشان را درباره آنچه که می توانند و باید داشته باشند، افزایش داده و از این روی بر این نکته بی صبرانه تأکید می کنند که آنچه بدست می آورند، ناکافی و برای زندگی آنها نامناسب است.» (کریزبرگ. ۱۹۷۳: ۷۸. به نقل از صفدری، سلمان)

۲-۱-۳-۶: کرونبرگ

« بر اساس تئوری کرونبرگ با نام Spill-over-theory یا تئوری تسری رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت از بخشهای دیگر زندگی مؤثر است (مقایسه شود: از کمپ، ۱۳۶۹ ص ۲۷۸). مثلاً کسانی که از خانواده خود راضی هستند و یک محیط آرام خانوادگی دارند، ناملایمات شغلی را بهتر تحمل می کنند و شغل خود را خیلی منفی ارزیابی نمی کنند.» (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۲: ۱۷)

۲-۱-۳-۷: رفیع پور

« مقایسه اجتماعی (Social Comparison) مهمترین شرط پیدایش احساس نارضایتی از وضع موجود و احساس نیاز در انسانها است. (رفیع پور. ۱۳۷۸ (ب): ۳۰)

باید متذکر شد که « مقایسه اجتماعی » خود شروطنی دارد و هر کس خود را با هر کسی مقایسه نمی کند. یک بچه عقب افتاده روستائی یا یک زارع فقیر خود را با ارباب و وسایل او و شرایط زندگی و خانواده اش مقایسه نمی کند. بلکه انسان خود را با افراد مشابه یا کسانی که وضعشان کم و بیش مشابه یا کمی بهتر است، مقایسه می کند. در نتیجه افراد و قشری که از نظر شرایط اقتصادی اجتماعی و فنی نزدیک به قشر بالا هستند، ابتدا خود را با آن قشر مقایسه می کنند.

(رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸ (ب): ۳۱)

مراحل پیدایش نیاز

در یک جامعه یا در یک گروه، یک پدیده یا وسیله ارضای نیاز، طی مراحل زیر برای دیگران به یک نیاز تبدیل می شود. ■ ابتدا یک عده از افراد معدود یا خود یک وسیله جدید برای ارضاء بهتر نیاز ابداع می کنند و یا از وجود یک وسیله مناسب در جامعه دیگر مطلع می شوند و از آن در جامعه و شرایط خود استفاده می نمایند. این افراد را نوآوران (Innovators) می نامند و اینان عموماً افرادی هستند با شرایط اقتصادی و فکری و تخصصی بهتر که این شرایط را اغلب قشر بالای هر جامعه داراست. (Rogers, ۱۹۹۵ به نقل از رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸ (ب))

افراد دیگر نیز تحت شرایطی به پدیده و وسیله فوق احساس نیاز می کنند. برای پیدایش این نیاز دو شرط زیر لازم است:

- ارتباط با قشر بالا و امکان مشاهده آن وسیله و کاربرد آن (یعنی قشر بالا آنرا نشان دهد و نه آنکه آنرا پنهان سازد).

- شخص مشاهده کننده خود را با دارنده آن پدیده مقایسه نماید. (رفیع پور. ۱۳۷۸ (ب): ۳۰)

ساختار نیاز در نظامهای اجتماعی متفاوت

■ در جوامع سنتی و ایستا که همه چیز عموماً به روال گذشته است و نیازها با همان روشها و ابزارهای گذشته ارضاء می شوند نیازها از پویائی نسبتاً کمی برخوردارند و نسبت به گذشت زمان ساخت آنها کمتر تغییر می کند. از آنجا که در اغلب جوامع سنتی آن جوامع بیشتر از دو قشر ارباب ها و رعایا تشکیل شده و به عبارت دیگر جامعه یک جامعه فئودالی است،

- از یک طرف تفاوت بین گروههای قابل مقایسه در قشر پایین بسیار کم است و
- از طرف دیگر فرایند مقایسه اجتماعی به علت تفاوت بسیار زیاد بین قشر بالا و پائین و عدم وجود قشر متوسط (به عنوان پل ارتباطی بین دو قشر) فقط بطور مجزا در هر قشر می ماند. بنابراین فرایند فراگیر مقایسه اجتماعی در زمینه پدیده های جدید و نیاز به آنها کمتر روی می دهد و در نتیجه احساس محرومیت نسبی که موجب پیدایش احساس نیاز و نارضایتی از وضع موجود است (که چرا او باید داشته باشد و من نداشته باشم) کمتر بوجود می آید. در چنین نظامهای اجتماعی پیشرفت های علمی و ابداع پدیده های جدید کم است، اما در مقابل مردم (که کمتر پدیده های جدید را می بینند) به آنچه که دارند راضی اند و تعادل نسبتاً قوی و پایداری بر جامعه حاکم است، هم از جهت ساخت نیازها و هم از جهت

رضایت اقتصادی اجتماعی و سیاسی، حتی اگر یک سلطان کم و بیش مستبد بر آنها حکومت و آنها را

استثمار کند. (رفیع پور. ۱۳۷۸ (ب): ۳۴)

■ در جوامع مدرن پدیده های جدید به مرور زمان (!) و بطور تدریجی در همان جوامع به اقتضای مسائل و مشکلات و نیازهای آنجا ابداع شدند، و موجب یک رشد تدریجی در طول تقریباً ۲۰۰ سال در همه زمینها از صنعت و کشاورزی و پزشکی گرفته تا فیزیک و نجوم و بیولوژی ... شد. به تدریج به اقتضای رشد هر بخش تقسیم کار و انواع مشاغل بوجود آمد. تولیدات داخلی متناسب با ساختار فرهنگی و نیازهای موجود جامعه افزایش یافت، ابزار بهتر ارضاء نیاز ارائه شد و در عین حال به علت رشد اقتصادی همسو با نیازها و متعادل (تدریجی و در همه زمینها) درآمدها نیز افزایش یافت و به مردم امکان تهیه ابزار جدید ارضای نیاز را می داد. در چنین جوامعی نیز فرایند مقایسه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و لذا فرایند پیدایش نیاز نیز وجود داشت و دارد، اما از آنجا که دستیابی به ابزار جدید ارضای نیاز در حد نیاز احساس شده در هر قشر و گروهی بطور ذهنی امکان پذیر به نظر می رسد، احساس نارضایتی از وضع موجود کم است و اگر اینجا و آنجا احساس نارضایتی بوجود آید، عموماً در حد قابل کنترل می باشد و عنان جامعه از دست اداره کنندگان آن خارج نمی شود. (رفیع پور. ۱۳۷۸ (ب): ۳۴-۳۵)

ولی در جوامع در حال توسعه از جمله کشور ما امکان رشد اقتصادی مستمر عملاً وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد - بنابر نتایج تحقیقات (Muller, Edward N. ۱۹۹۵: ۹۷۲-۳) - به علت وجود نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی عموماً در دست درصد کوچکی از اعضای جامعه است، بنابراین امکان بروز نارضایتی فراهم می آید.

ادراک نابرابری

نابرابری واقعی و عینی در یک جامعه برای پیدایش احساس محرومیت نسبی کمتر مهم است تا ادراک ذهنی نابرابری. زیرا تا وقتی که مردم از نابرابری خبر ندارند، از آن ناراحت نمی شوند. و اما ادراک نابرابری پیش از هر چیز تابع دو عامل است:

۱- قدرت و توانائی ادراک

۲- امکان ادراک (امکان مشاهده، امکان کسب اطلاع) (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷ : ۷۰)

ارزیابی نابرابری

مشاهده تفاوت [قشر فقیر و مرفه جامعه] از جانب قشر فقیر، بر اساس ارزش های سنتی (traditional)، این طور قابل توجیه بود که "خوب این را خدا خواسته" (م.ش. ۵۲: ۱۹۷۱; Stone, ۱۹۸۸: ۲۸; Dahrendorf, ۱۹۶۹: ۱۴۹ Behrendt, ۱۹۶۹). اما مدرنیزاسیون و توسعه، مستقیم یا غیر مستقیم هدفش از بین بردن این نوع ارزشها و گرایشهای تقدیرگرایانه

(fatalistic) نیز می باشد.... در چهارچوب توسعه، انسانها باید به قول لرنر (Lerner, ۱۹۵۸:۳۶۳f) متحول شوند (Empathy) و نظام اجتماعی سنتی را زیر سؤال ببرند. لذا قشر فقیر با مشاهده وضعیت آن ثروتمندان در شمال شهر از خود می پرسد که چرا او باید آنقدر فقیر و اینان آنقدر ثروتمند باشند. از این طریق احساس محرومیت نسبی (Relative Deprivation) جوانه می زند. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۷۳)

مقایسه اجتماعی

اما تغییر گرایش تقدیر گرایانه برای ارزیابی منفی نابرابری و پیدایش احساس محرومیت نسبی کافی نیست. در اینجا یک عامل بسیار مهم دیگر نقش اساسی ایفا می کند: "مقایسه اجتماعی" (Festinger: Social Comparison). (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۷۴)

.... انسان خود را با چیزی که اصلاً قابل دسترسی یا در حدود او نباشد، مقایسه نمی کند، بلکه با وضعیتی که به وضعیت او نزدیک است، با انسانها و گروههایی که بر اساس برخی از خصوصیات ("related attribute": Olson, ۱۹۸۶) شباهت هایی ("similarities") با او دارند (Atkinson, ۱۹۸۶:۱۳۰) مقایسه می کند. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۷۵) بر اساس تئوری نیاز، مشخص است که (به غیر از نیازهای کاملاً فیزیولوژیکی ناب که تابع قانون گوسن (Gossen)، مبنی بر کاهش فایده نهایی می باشند) هر چه که نیازها بیشتر ارضاء شوند، احساس نیازمندی کاهش نمی یابد، بلکه برعکس افزایش می یابد. یعنی نیازمندی عینی و واقعی با احساس نیازمندی ذهنی رابطه معکوس دارد. از این طریق با ارضای نیازهای انسانها، یک جریان تکثیر نیاز (Hegel, ۱۹۸۱:۳۴۸ff) و یا گسترش نیاز (Lukert, ۱۹۶۵:۶۸) بوجود می آید که چنانچه افلاطون نیز گفته بود، در ولع و بیشترخواهی ظاهر می شود. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۷۹) بنابراین، بر اساس تئوری نیاز و جریان مقایسه اجتماعی بین قشرها،

- شدت احساس محرومیت (intensity)، از قشر پایین جامعه به طرف قشر بالا به تدریج بیشتر می شود.
- در صورتیکه وسعت (scope م.ش. ۱۹۷۰، Gurr) احساس محرومیت نسبی به علت تعداد بیشتر افراد (جمعیت) در قشرهای پائین جهت معکوس، یعنی از بالا به پایین نشان می دهد و در قشرهای پایین بیشتر است. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۸۳)

ولع ارتقاء در ایران و عوامل مؤثر بر آن

در ایران نابرابری فرایندی تکان دهنده بوجود آورده،.... بدین معنی که در پی تفاوت ارزشی موقعیت های اجتماعی و بها دادن به موقعیتهای بالا (= ارزش ثروت و قشر بالا)، اکثر افراد همواره مایل به دستیابی به موقعیتی بالاتر هستند از آن

موقعیتی که دارند، راضی نیستند. همه در طلب و آرزوی شرایطی "بهبترند". شرایطی که از نظر مردم، یعنی بر اساس ارزشهای حاکم "بهبتر" تشخیص داده می شود، اما الزاماً واقعی نیست. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۳۶۵)

بطور خلاصه می توان گفت که:

● هر چه فاصله ارزشی بین موقعیتهای بیشتر باشد و

● هر چه که وقوف به ارزشهای متفاوت موقعیتهای بیشتر (یعنی تفاوت درجه ها مشخص تر) و

● هر چه که مقایسه اجتماعی بین موقعیتهای بیشتر باشد،

در آنصورت میل به ارتقاء بیشتر می شود، تا جائیکه در انسانها ولع پیشرفت و ارتقاء بوجود می آید. پایه اصلی و سر منشأ شروع این فرایند در نابرابری و به همراه آن در مدرنیزه کردن سریع، بیرونی (نه از درون خود) و ظاهری جامعه نهفته است. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۳۷۳)

در این فرایند در ایران دو متغیر اساسی دیگر نقش عمده ای ایفا می کنند:

(۱) نیاز مفرط به احترام ناشی از فرهنگ فتودالی - استبدادی سنتی ما

(۲) پیروی شدید از هنجارها

در نتیجه این دو عامل است که مقایسه اجتماعی و سپس احساس بی عدالتی نسبی (چشم و هم چشمی) بین افراد در مورد پدیده های به ارزش تبدیل شده روی می دهد، که در اینجا پدیده با ارزش، "پایگاه اجتماعی" بالاتر است. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۳۸۰) تحت این شرایط هیچکس از آنچه که دارد و از آنچه که هست راضی نیست و همواره سعی در تغییر موقعیت و تحرک صعودی یا ارتقاء (Upward Mobility) دارد، یعنی مایل است از یک موقعیت اجتماعی با بار ارزشی کمتر (مقام پایین) به یک موقعیت اجتماعی دیگر با بار ارزشی بیشتر (مقام یا پایگاه بالاتر) دست یابد.

یک نتیجه این، عدم ثبات اجتماعی است. زیرا افراد کار و مسئولیت خود را جدی و دائمی تلقی نمی نمایند و دائماً در پی تغییر آن می باشند.

در ایران کنونی نیز، در پی نابرابری زیاد و در نتیجه میل به کسب منزلت اجتماعی از یک طرف و فشار اقتصادی از طرف دیگر، ولع ارتقاء و مدرک گرایی گسترش و با اقداماتی نظیر نظام هماهنگ پرداختها و توسعه مراکز ارائه مدرک تحصیلی، این ولع افزایش یافته است. در نتیجه بیشتر انسانها از وضعیت موجود خود ناراضی هستند. بدین معنی که افراد خوشحال خواهند بود. اگر بتوانند وارد دانشگاه شوند. اما بعد از لیسانس، ولع باز هم بیشتر آنها را فرا می گیرد و در پی فوق لیسانس بر می آیند و بعد از آن باز هم به آنچه که دارند راضی نیستند. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۳۷۳)

۲-۱-۳-۸: گلزاری^{۱۵}

ایشان به نقل از خانم الیزابت هارلک که یک روانشناس است اشاره به این دارد که شادکامی مثلی است با سه ضلع محبوبیت، مقبولیت و موفقیت. محبوبیت و مقبولیت با یکدیگر تفاوت دارد: ممکن است کسی محبوب دیگران باشد ولی او را برای واگذاری کاری قبول نداشته باشند و ایشان همچنین اشاره به نیازهای انسانی می‌نماید؛ چنانچه این نیازها به موقع و به شیوه مناسب پاسخ داده شود. شادی و نشاط به همراه خواهند داشت.

ایشان در ادامه شادی و نشاط را امری فردی و اجتماعی می‌دانند و اشاره می‌کنند که برخی نابسامانی‌های اجتماعی مانند بی‌نظمی و بی‌قانونی سبب ایجاد افسردگی می‌گردد. (گلزاری، محمود. ۱۳۸۱: ۴-۶)

۲-۱-۳-۹: فردوسی پور^{۱۶}

ایشان اشاره به سطح انتظارات جوان دارند که باعث می‌شود چنانچه امکانات فرد در حد برآورده شدن آن انتظارات نباشد فرد دچار یأس و ناامیدی می‌گردد نکته دیگری که ایشان به آن اشاره دارند رضایت به نعمت‌ها و امکاناتی است که حضرت حق در اختیار انسانها قرار داده است.

۲-۱-۳-۱۰: غفاری^{۱۷}

رویکرد ایشان به مسئله افسردگی و رضایت رویکردی روانشناسانه است. به نظر ایشان اگر بتوان چهار احساس مفید بودن، محبوب بودن، مهم بودن و مطرح بودن را در افراد ایجاد نمود در واقع زمینه‌های افسردگی و از نگاه ما رضایت از زندگی را افزایش داده‌ایم. بی‌توجهی به نکات مذکور خود زمینه‌ساز معضلاتی مانند اعتیاد و خودکشی می‌گردد. (غفاری، مسعود، ۱۳۸۱: ۳-۲۲)

۲-۱-۳-۱۱: نیکجو

ایشان اشاره به این دارند که احساس رضایت از زندگی به هفت عامل زیر بستگی دارد:

الف- خوش‌بینی (optimism): یعنی روی مثبت حوادث را دیدن

ب- کار: به ویژه کاری که دارای امنیت شغلی باشد

گلزاری، محمود. ۱۳۸۱. شادابی و نشاط. ماهنامه پرسمان ویژه بهمن

فردوسی‌پور. ۱۳۸۱. ماهنامه پرسمان ویژه مهرماه

غفاری، محمود. مهر ماه ۱۳۸۱. هنر زندگی کردن را نمی‌دانیم. دو هفته‌نامه پرسمان. سال اول. شماره ۴

ج- خانواده: احساس رضایت خانوادگی موجب کاهش اثرات نگرانیهای زندگی می شود. در مطالعه‌ای که در مورد مردان مبتلا به سکتة قلبی انجام شده مشخص شده که درد پس از سکتة قلبی در بیمارانی که همسری حمایتگر داشته‌اند به طور برجسته‌ای کمتر از بیمارانی بوده که همسر حمایتگر نداشتند.

د-طبیعت: طبیعت ما در زندگی و حیات در روی کره زمین است. احساس آشنایی و آرامش و زیبایی که در دامن طبیعت به انسان دست می‌دهد منبع نیرومندی برای رسیدن به احساس رضایت از زندگی است.

هـ - هنر: آشنایی و علاقه‌مندی و استفاده و لذت بردن از هنرهای هفتگانه می‌تواند در ایجاد و یا تقویت احساس شادی و رضایت از زندگی موثر باشد

و- شوخ طبعی (Humor): گرچه هنور تحقیقات دقیقی در مورد خنده انجام نشده است، ولی تصور می‌شود که خنده موجب آزادشدن مواد اریبومی در وزنا - مانند آندورفین‌ها- می شود که احتمالاً با احساس راحتی و شادابی پس از خنده ارتباط دارد.

ز: معنویت (spirituality): منظور از معنویت چیزی ورای عقاید مذهبی مرسوم است معنویت دلالت بر وحدتی آسمانی و عشقی بی‌حد و مرز و طبقه‌بندی نشده دارد. اتصال و اتکال به منبع لایزال، منبعی عظیم از آرامش و اطمینان برای فرد به ارمغان می‌آورد.

۲-۱-۳-۱۲ قاضی طباطبایی^{۱۸}

- در بخشی از این تحقیق در دست اجرا محقق به بررسی میزان رضایت از زندگی پاسخگویان پرداخته است. ۹ گویه به کار رفته در این تحقیق به شرح ذیل است.
- ۱- من از دست زندگی‌ام درمانده شده‌ام.
 - ۲- من از روند زندگی خود راضی هستم
 - ۳- روز به روز که می‌گذرد وضعیت زندگی ما بهتر می‌شود.
 - ۴- من در مقابل مشکلات زندگی احساس ناتوانی می‌کنم
 - ۵ - احساس می‌کنم در مقابل مشکلات زندگی تنه‌ایم و هیچ پشت و پناهی ندارم
 - ۶- در طول زندگی‌ام به آرزوهایم دست یافته‌ام
 - ۷- در خانواده ما روز به روز احترام و ادب بین من و همسر کم‌تر می‌شود

گویه های مذکور از پرسشنامه محقق اخذ شده است و لذا مباحث تئوریک و نتایج آن در دسترس نمی باشد .

۸- من نسبت به آینده خانواده‌ام خوش‌بین هستم.

۹- فکر می‌کنم همسرم از زندگی با من راضی است

۲-۱-۳-۱۳: شورای علمی پژوهشگران^۹. ۱۳۸۱

در بخشی از این تحقیق به بررسی «احساس دوستی با اعضای خانواده» می‌پردازد؛ همچنانکه در برخی از آثار پژوهشی مشاهده می‌شود احساس دوستی با اعضای خانواده یکی از ابعاد رضایت از زندگی است. در پیمایش مذکور

احساس دوستی با اعضای خانواده با سه گویه سنجیده شده است صص ۲۱۳-۲۱۰

۱- معمولاً هر چند وقت یکبار با اعضای خانواده خود، مشورت و هم‌فکری دارید؟

۲- هر چند وقت یکبار با آنها اختلاف و بگو مگو پیدا می‌کنید؟

۳- هر چند وقت یکبار با آنها درد دل می‌کنید؟

به نظر می‌رسد که برای احساس دوستی در این تحقیق دو بعد در نظر گرفته شده یکی بعد عقلایی که معرف آن مشورت با اعضای خانواده است و دوم بعد احساسی عاطفی که معرف آن انجام درد دل و فقدان اختلاف و بگو مگو است. در این اثر تحقیقی به ارائه جدول توصیفی بسنده نموده است در مقایسه میان افراد مجرد و متأهل جدول ذیل حکایت از تفاوت بین میزان مشورت افراد مجرد و متأهل دارد به طوری که افراد متأهل مشورت و هم‌فکری بیشتری با خانواده خود می‌نمایند (سطح معناداری ۰/۰۵۱ آماره ۰/۰۹۲)

این مقایسه در مورد اختلاف و بگو مگو در بین افراد متأهل و مجرد معنادار نیست ولی در مورد درد دل معنادار است (سطح معناداری ۰/۰۰۰ آماره ۰/۱۹۹)

سه گویه مذکور را چنانچه در بین مردان و زنان مقایسه نماییم مورد مشورت و هم‌فکری معنادار نمی‌باشد در مورد اختلاف و بگو مگو نیز معنادار نمی‌باشد ولی در مورد درد دل معنادار است یعنی افراد متأهل بیشتر با اعضای خانواده خود درد دل می‌نمایند. (سطح معناداری ۰/۰۰۱ آماره ۰/۱۳۶)

گرچه در این اثر تحقیقی به ایجاد شاخصی مرکب از سه معرف مذکور پرداخته است ولی نتایج آن بارقه‌های ایجاد فرضیاتی را در ذهن پدید می‌آورد.

می‌توان گفت احساس دوستی با اعضای خانواده به طور معناداری در بین افراد مجرد و متأهل متفاوت است ولی در بین زنان و مردان این تفاوت قابل ملاحظه به نظر نمی‌رسد. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود احساس دوستی با

اعضای خانواده یکی از ابعاد رضایت از زندگی باشد؛ پیش‌بینی می‌شود رضایت از زندگی حداقل در بعد مذکور در بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است.

۲-۱-۳-۱۴: وضعیت و نگرش جوانان ایران، ۱۳۸۰، گزارش نهایی نتایج پژوهشی طرح مشاوره ملی با

جوانان

مطابق یافته‌های پیمایش مذکور در پاسخ به سوال "احساس می‌کنم شادابی و نشاطی را که یک جوان باید دارا باشد، ندارم" ۵۶ درصد پاسخگویان فاقد شادابی و نشاط طبیعی جوانی بوده‌اند (ص ۶۰) که حکایت از پایین بودن احساس شادابی و نشاط در جوانان است.

در مجموع به لحاظ بهداشت روانی نتایج واقعاً نگران کننده و هشدار دهنده است شایان ذکر است وضعیت مذکور در میان دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد بررسی وضعیت سلامت روانی با دو پرسشنامه انجام پذیرفت و مجموعاً از هر دو پرسشنامه چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مشکل روانی در دختران بیش از پسران است هر چند مشکلات روانی خفیف در دختران شیوع کمتری دارد. (ص ۱۵۹)

در تحلیل وضعیت مذکور بر اساس سطح درآمد خانواده وضعیت سلامت روانی افراد با درآمد پایین نسبت به افراد، درآمد متوسط و بالا متفاوت است؛ یعنی افرادی که درآمد پایین دارند به طور معناداری نسبت به افرادی که درآمد متوسط و بالا دارند کمتر است ولی بین افراد با درآمد متوسط و بالا تفاوت معناداری (براساس آزمون تو کی) مشاهده نشده است (ص ۲۰۰)

به لحاظ متغیر تحصیلات؛ بهترین سطح رضامندی نسبت به سلامتی به ترتیب متعلق به جوانانی است که تحصیلاتشان راهنمایی؛ دبیرستان؛ فوق لیسانس و مقاطع بالاتر است. جوانان پیش‌دانشگاهی و دانشجویان دوره‌های فوق دیپلم و لیسانس از این بابت در وضعیت بدتری هستند (ص ۲۳۹)

یافته‌های تحلیلی حکایت از آن دارد که رضایت از خانواده با سلامت روانی رابطه مستقیم دارد؛ به این معنا که هر قدر رضایت از خانواده بیشتر شود، سطح سلامت روانی وی بالاتر می‌رود (ص ۲۷۱) نیز چنانچه پاسخگویان را بر اساس میزان سلامت روانی به چهار دسته مشکل‌دار، نسبتاً مشکل‌دار، سالم و کاملاً سالم تقسیم نماییم. با گروه مشکل‌دار در مقایسه با گروه‌های دیگر، نگرش مثبت‌تری به دوستانشان دارند. نیز در خصوص مشارکت سیاسی، رابطه مشارکت سیاسی با سلامت روانی رابطه‌ای مستقیم است؛ هر چه افراد سلامت روانی بالاتری برخوردار باشند نسبت به مشارکت سیاسی بهتر می‌اندیشند (ص ۲۷۶) نیز نسبت به رضایت از شغل (ص ۲۸۱) لذت از اوقات فراغت (ص ۲۸۳) مشارکت اجتماعی (ص ۲۸۳) نگرش به نهادهای حکومتی (ص ۲۸۵) همه رابطه معناداری وجود دارد.

نیز با توجه به آنکه پیش‌بینی می‌شود رضایت از خانواده و دوستان از ابعاد رضایت از زندگی باشد و چون جامعه آماری ما دانشجویان است بیان آمارهایی در این خصوص مناسب به نظر می‌رسد.

به لحاظ وضعیت اقتصادی دانشجویان دختر از نظر اقتصادی به طور معناداری بهتر از دانشجویان پسر هستند (ص ۵۱۳) به لحاظ نگرش به خانواده نیز دانشجویان دختر به طور معناداری نگرش مثبت‌تری دارند (ص ۵۱۴) در مورد گروه دوستان دانشجویان پسر در مقایسه دانشجویان دختر نگرش بهتری نسبت به دوستان خود دارند (ص ۵۱۵) نیز دختران به طور معناداری نگرش مثبت به کارکرد مساجد و هیات‌های مذهبی دارند (ص ۹ - ۵۱۸) در حوزه دینداری هم در بعد اعتقادات قلبی دینی و هم در اعتقادات رسمی دینی دختران دانشجو به طور معناداری از پسران دانشجو نگاه مثبت‌تری دارند به ویژه در بعد اعتقادات قلبی دینی (۴- ۵۲۳) هدف از ذکر مطالب فوق این است که ببینیم اگر رضایت از زندگی را به حوزه‌های خاصی تفکیک نماییم و در هر یک از حوزه‌ها به تفکیک زن و مرد نتایج آن را بیان نماییم؛ در این صورت آیا می‌توانیم با اطمینان بالایی به تفاوت رضایت از زندگی بین دختران و پسران دست یابیم؟ قرائن در اینجا به اندازه کافی نیست ولی می‌توان بر اساس مطالب مذکور احتمال داد که رضایت از زندگی پسران کمتر یا مساوی رضایت از زندگی دختران باشد.

۲-۱-۳-۱۵: Turksever & Atalik, ۲۰۰۱

محقق به ارائه مقاله‌ای تحت عنوان «تواناییها و محدودیت‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در نواحی شهری» پرداخته است. بنیان نظریات نویسنده متکی بر اندیشه‌های Wish است. از چشم‌انداز محقق کیفیت زندگی دارای دو جنبه است: نخست جنبه مادی آن که در مقاله توضیح روشن و روانی برای آن آمده است و دیگری جنبه شخصی که به روشنی مقصود نویسنده مقاله مشخص نیست. لیکن از فحوای متن استنتاج می‌شود که مراد نویسنده مقاله از جنبه شخصی تلقی و قضاوت افراد یک ناحیه یا جامعه درباره امکانات آن ناحیه جنبه مادی است یعنی در نظر گرفتن سطح انتظارات P: ۱۶۳ در مجموع نویسنده رویکرد خود را کیفیت زیست محیطی زندگی یا Environmental quality of life نام می‌گذارند. P: ۱۶۴ توضیح مبسوط این مقاله به شرح ذیل است:

♣ چکیده:

اخیراً 'کیفیت زندگی' در زمره مفاهیمی قرار گرفته است که در حوزه‌های علمی گوناگون مورد بررسی است و به نظر می‌رسد که اهمیت آن به طور قابل ملاحظه‌ای در حوزه‌های سیاست و اقتصاد در حال رشد باشد. افزون بر آن موضوع کیفیت زندگی با فرآیندهای مهاجرت مرتبط است. در یک نگاه کیفیت زندگی متأثر از شرایطی ضروری در یک جامعه یا حوزه‌های خاص است. این نکته که کیفیت زندگی، به مثابه یک متغیر قابل اندازه‌گیری معطوف به دو جنبه ذهنی و

عینی تحقق است؛ قبلاً بحث شده است. در این نگاه [در این تحقیق] کیفیت زندگی دو جنبه دارد جنبه روانشناختی و محیطی. ایجاد یک وفاق درباره تعریف مفهوم کیفیت زندگی یک مشکل جدی نیست. همچنانکه wish بیان نمود چنانچه فردی رایج‌ترین تعاریف به کار گرفته شده را با دقت بررسی نماید خواهد دریافت که آنها تا حد زیادی شبیه یکدیگرند به عبارت دیگر آنها مشتمل هستند بر یک وضعیت یا شرایطی که توسط افراد مقیم در یک ناحیه دریافت شده و آنها را به درجات متنوعی از احساس رضایت تفسیر کرده‌اند (wish, ۱۹۸۶) P: ۱۶۵

از دیدگاه این طراح، از آنجا که شهرها مرکز اقتصاد، سیاست، تجارت و دیگر فعالیتها هستند لذا فهم به هم پیوستگی شرایطی که در کیفیت زندگی شهری دخالت دارد مهم است. (sufian, ۱۹۹۳) P: ۱۶۵

می‌توان گفت که علی‌رغم تمام تنوعاتی که در تعریف کیفیت زندگی (qol) وجود دارد، اما یکی اجماع اساسی در باره معنای کیفیت زندگی (qol) وجود دارد. حوزه‌های متنوعی همچون محل سکونت، سلامتی و آموزش برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی (qol) در نظر گرفته می‌شود P: ۱۶۵

در مطالعات مربوط به (qol) رایج‌ترین روش تحقیق به کار گرفتن پرسشنامه‌ای درباره (qol) است. ...بررسی‌های پیشین به این نکته اشاره داشتند که رضایت فرد و اجتماعی که او در آن تعلق دارد اثر قابل توجهی به qol دریافت شده دارد. (Wagner, ۱۹۹۵) لذا Rogerson، به مفهوم سازی qol با وضع یا ایجاد یک اصطلاح جدید پرداخت "کیفیت زیست محیطی زندگی" [Environment Quality Of Life] او qol را به مثابه ترکیبی از امور مادی و شخصی عرصه زندگی می‌داند [به شکل یک موجود در متن مقاله می‌توان مراجعه نمود].

♣ حوزه زندگی مادی:

مشتمل بر کالاها، خدمات و دیگر جاذبه‌هایی است که در ارتباط با محیط فیزیکی و اجتماعی است که در آن قلمرو جغرافیایی زندگی مردم است.

♣ حوزه زندگی شخصی: که بوسیله مشخصات و یا ویژگیهای مردم نشان داده شده است.

او qol را که دارای دو جنبه مادی و شخصی است را بیان می‌نماید و اذعان می‌دارد که این مدل قادر است اشکال پیشین تحقیق را در خود جای دهد.

در این نگاه کیفیت زندگی نمی‌تواند یک وسیله اندازه‌گیری ثابت استانداردی داشته باشد اگر کسی سعی نماید از شرایط یا وضعیت بالای کیفیت زندگی در Monteral که مطابق تحقیقی که sufian (۱۹۹۳) انجام داده در بین ۹۸ شهر از بزرگترین شهرهای دنیا در صدرات به Antarctica برود کیفیت زندگی همان نخواهد بود، آشکار است

که ویژگیهای اقلیمی، مکان‌شناسی و فیزیکی و رفاه مادی [در این دو شهر] کاملاً متفاوت است لذا شاخصهای qol بر اساس زمینه [جغرافیایی] یک ناحیه متفاوت است .

در بسیاری از مطالعات مربوط به qol محدودیت‌هایی وجود دارد. می‌توان گفت از دلایل فراموش نمودن جنبه ذهنی « qol » این محدودیت است که اطلاعات در دسترس نیست تا بتوانیم احساس رضایت را در میان استانها نواحی و شهرها و یا برخی واحد‌های دیگر تفکیک و مقایسه نمود. (Wish, ۱۹۸۶) بیان نمود که کیفیت زندگی در یک حومه شهری شبیه است به کیفیت زندگی پیشنهاد شده در یک حومه شهری دیگر و نه شبیه کیفیت زندگی در یک ناحیه مرکزی شهر ۱۶۷: p

مشکلات ویژه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات در کشورهای در حال رشد قابل رویت است. مشکلات اصلی در گردآوری اطلاعات عبارت است از میزان پایین دسترسی به منابع اطلاعات و نیز ناکارآمدی و نقص در اطلاعات بدست آمده و کمبودهایی در جمع‌آوری آنها (Atalik and Baycan, ۱۹۹۶) P: ۱۶۸

♣ مطالعه موردی qol در ناحیه شهری استانبول :

نمونه مورد بررسی مشتمل بر ۳۸۴ نفر است که مقیم استانبول و از ۲۲ بخش مختلف شهر مطابق تقسیمات شهرداری انتخاب شده اند . در واقع شهر استانبول مشتمل بر ۳۲ بخش است اما در این تحقیق ۲۲ مورد از آنها در نظر گرفته شده است . به منظور ایجاد یک نمونه‌گیری قشر بندی شده در شهر استانبول، این ۲۲ بخش انتخاب شده‌اند که نمونه‌گیری در آنها بر حسب ویژگیهای جمعیتی است. یعنی این روش نمونه‌گیری مهمترین ویژگی این شهر که مهاجر پذیری است را در نظر می‌گیرد. هدف اصلی پرسشنامه فهم رضایت از زندگی مردم در زندگی روزمره است به منظور تشخیص [میزان] رضایت مشارکت کنندگان که مقیم استانبول بودند از آنان در خواست شد که با توجه به ۱۸ ویژگی مختلف که درباره کیفیت زندگی qol می‌باشد (مانند مکان زندگی)، در طیفی که عدد ۱ در آن حکایت از رضایت خیلی زیاد عدد ۴ حکایت از رضایت خیلی کم دارد؛ شرحی از میزان رضایت‌مندی‌شان ارائه دهند؛ که به صورت زیر بیان می‌شود: $Q = f(Q_1, Q_2, \dots, Q_n)$

که در آن "Q" اندازه کل کیفیت زندگی یک فرد است متغیر وابسته. Q_1, Q_2, \dots, Q_n میزان رضایت از کیفیت زندگی در حوزه‌های مختلفی است که ارائه شده است. در این نمونه متغیرهای مستقل که میزان رضایت را در qol تعیین می‌نمایند به شرح ذیل است:

S_1	= سهولت در امر خرید	E_1	= آلودگی
E_2	= فراهم بودن آموزش	C_1	= هزینه زندگی
N	= میزان آلودگی صوتی	C_2	= آب و هوا
J_6	= فرصت‌های شغلی	T_1	= سفر به قصد کار
C_3	= ازدحام	R	= روابط با همسایگان
H_1	= شرایط سکونت	P	= پارک‌ها و فضای سبز
H_2	= سلامتی	L	= اوقات فراغت
S_2	= ورزش	C_3	= میزان جرم
A	= دسترسی به حمل و نقل عمومی	T_2	= ترافیک سنگین

P: ۱۶۸-۱۷۰

نتایج، بیانگر این است که سطح رضایت از زندگی در بخشی که با استفاده از طیف اندازه‌گیری شده است میزان رضایت از زندگی در حد متعادل و متوسط است که همچنانکه در جدول I و شکل ۳ [از مقاله مذکور] نشان داده شده است در فاصله ۰,۳۷۵۰ تا ۰,۲۱۵۵ می‌باشد.

با استفاده از تحلیل رگرسیون از نوع *stepwise* متغیرها وارد و جابجا شدند که آنهایی که اهمیت داشتند عبارتند از "سلامتی، آب و هوا، ازدحام، ورزش، شرایط اسکان، عزیمت به محل کار و آلودگی محیط". که موارد مذکور مهمترین عوامل تعیین کننده در سطح رضایت از زندگی برای بخشهای نمونه‌گیری شده، هستند. گرچه نمرات آن ضرایب چندان بالا نیست و اجازه پیش‌بینی به صورت کلی را به ما نمی‌دهد؛ مع الوصف در تعدادی از بخشها تعدادی متغیر تعیین کننده‌تر است. P: ۱۷۱-۱۷۳

Kousha & Mohseni. ۱۹۹۷: ۱۶-۳-۱-۲

بر اساس خلاصه این پژوهش، نویسنده در مقاله ای تحت عنوان «رضایت از زندگی در میان شهروندان زن ایرانی: یک تحلیل اکتشافی» به رضایت از زندگی زنان ایرانی - اعم از آنان که متأهل یا غیر متأهل هستند - می‌پردازد. نمونه آماری از ۳۳۵ زن (۶۱ درصد آنها متأهل و ۳۹ درصد آنها غیرمتأهل (مجرد، مطلقه، بیوه) تشکیل یافته است. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های خود اجرا که در سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۴ به اجرا در آمد؛ جمع‌آوری گردید.

نتایج تحقیق که مبتنی بر جداول متقاطع و تحلیل مسیر است؛ حکایت از آن دارد که رضایت از زندگی زنان متأهل مستقیماً با رضایت از ازدواج، اشتغال و اوقات فراغت مرتبط است.

[نکته قابل ذکر] اینکه رابطه بین رضایت و فعالیت زنان رابطه‌ای متقابل است. مع‌الوصف در خصوص زنان غیرمتأهل رضایت از زندگی آنها تحت تاثیر مقطع تحصیلی و اوقات فراغت آنها است. P: ۳۲۹

۲-۲ تلخیص و ارزیابی پیشینه پژوهش و ارائه چهارچوب تئوریک :

در اینجا ابتدا سعی در تلخیص و ارزیابی مقالات و مطالب ارائه شده و سپس ارائه یک مدل فرضی که حکایت از شبکه روابط بین متغیرها را دارد، خواهیم پرداخت .

تلخیص مهمترین نکات پیشینه پژوهش :

- ۱- احساس تبعیض — ← رضایت از زندگی (David Lackland. ۲۰۰۰ . P: ۳۱۵،۳۳۸)
- ۲- تعداد دوستان + ← رضایت از زندگی (David Lackland. ۲۰۰۰ . P: ۳۱۵،۳۳۸)
- ۳- رضایت مالی + ← رضایت از زندگی
- (با اقتباس از وضعیت و نگرش جوانان . ۱۳۸۰) نیز (David Lackland . ۲۰۰۰ p: ۳۱۵)
- ۴- سطح انتظارات از زندگی + ← رضایت از زندگی
(Turksever etal , ۲۰۰۰ p: ۱۶۳) نیز (فردوسی پور، ۱۳۸۱)
- ۵- مثبت نگری + ← رضایت از زندگی (Mcintosh, ۲۰۰۱ p :۳۸) به نقل از (chang et al)
(۱۹۹۷ , ...) نیز مراجعه شود به (گلزاری . ۱۳۸۱)
- ۶- دنیا گرایی — ← رضایت از زندگی (Rayan &etal.۲۰۰۰.P:۱۸۵)
- اقتباس از : (Ryan and Dziurawiec . ۲۰۰۰ p: ۱۸۵) نیز مراجعه شود به
(گلزاری . ۱۳۸۱ : ۶)
- ۷- دینداری + ← رضایت از زندگی (عظیمی . ۱۳۸۲)
- ۸- سلامت جسمانی + ← رضایت از زندگی (Lisa Ryan and Suzane Dziurawiec.۲۰۰۰.P:۱۹۳)
- ۹- بیکاری — ← رضایت از زندگی (Lisa Ryan and Suzane Dziurawiec.۲۰۰۰.P:۱۹۱)
- ۱۰- اطلاعات پیشین راجع به دانشگاه + ← رضایت از زندگی (David Lackland SAM .۲۰۰۰ p:۳۱۵)
- ۱۱- راهبردی و کاربردی بودن محتویات دروس + ← رضایت از زندگی (اقتباس از تئوری انگیزش بهداشت،
هرزبرگ)

- ۱۲- رضایت از خانواده $\leftarrow +$ رضایت از زندگی (نیکجو. ۱۳۷۷)
- ۱۳- گرایش به معنویت $\leftarrow +$ رضایت از زندگی (نیکجو. ۱۳۷۷).
- ۱۴- جنس \leftarrow رضایت از زندگی (اقتباس از وضعیت و نگرش جوانان)
- ۱۵- موفقیت آموزشی $\leftarrow +$ رضایت از زندگی (Lisa Ryan and Suzane Dziurawiec. ۲۰۰۰. P: ۱۹۳)
- ۱۶- احساس نابرابری اجتماعی $\leftarrow -$ رضایت از زندگی (David Lackland. Sam. ۲۰۰۰. P: ۳۱۵ & ۳۳۰)
- ۱۷- تاهل \leftarrow رضایت از زندگی (ارزشها و نگرشهای ایرانیان ویژه مشهد)
- ۱۸- رشد اقتصادی جامعه \leftarrow رضایت از زندگی (مقایسه بلژیک و آلمان در دهه ۱۹۸۰مراجه شود به اینگلهارت، رونالد. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۱۹- تجارب تاریخی ملل \leftarrow رضایت از زندگی (مقایسه آلمان و دانمارک مراجعه شود به اینگلهارت، رونالد. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۲۰- امنیت اقتصادی \leftarrow رضایت از زندگی (اینگلهارت. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۲۱- زندگی در شهرهای کوچک \leftarrow رضایت از زندگی (اینگلهارت. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۲۲- دینداری \leftarrow رضایت از زندگی (مقایسه در ۱۶ کشورمراجعه شود به اینگلهارت. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۲۳- تحصیلات \leftarrow رضایت از زندگی (اینگلهارت. ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر)
- ۲۴- رتبه شغلی \leftarrow رضایت از زندگی (ناییبی. ۱۳۷۵)
- ۲۵- درآمد \leftarrow رضایت از زندگی (ناییبی. ۱۳۷۵)
- ۲۶- اعتماد \leftarrow رضایت از زندگی (ناییبی. ۱۳۷۵)
- ۲۷- بیگانگی \leftarrow رضایت از زندگی (ناییبی. ۱۳۷۵)
- ۲۸- سواد \leftarrow رضایت از زندگی (محسنی. ۱۳۷۹)
- ۲۹- درآمد \leftarrow رضایت از زندگی (محسنی. ۱۳۷۹)
- ۳۰- آنومی \leftarrow ظهور آرزوهای جدید و بی حد و حصر \leftarrow ناکامی از عدم ارضاء آرزوها \leftarrow نارضایتی اجتماعی (دورکیم به نقل از رفیع پور. ۱۳۷۸ (ب): ۱۸)
- ۳۱- فاصله زیاد فرد تا گروه مرجع خود \leftarrow احساس محرومیت نسبی \leftarrow احساس نارضایتی (مرتون به نقل از صفدری)

- ۳۳- رشد وسایل ارتباط جمعی ← اشاعه زندگی مرفه ← رشد آرزوها و نیازها ← از دست دادن هویت فرهنگی ← نارضایتی (کونیک . به نقل از رفیع پور. ۱۳۷۸. (ب) ۲۶-۲۷)
- ۳۴- محرومیت مطلق ← نارضایتی (کریزبرگ. به نقل از صفدری. ۱۳۷۴)
- ۳۵- وجود موقعیت ها با منزلت های اجتماعی متفاوت ← نارضایتی (کریزبرگ. به نقل از صفدری. ۱۳۷۴)
- ۳۶- انتظارات بالا ← نارضایتی (کریزبرگ. به نقل از صفدری. ۱۳۷۴)
- ۳۷- رضایت از یک حوزه زندگی ← رضایت در سایر حوزه های زندگی (کرونبرگ . به نقل از رفیع پور. ۱۳۷۲ : ۱۷)
- ۳۸- مدرنیزاسیون ← نابرابری اجتماعی - اقتصادی ← مقایسه اجتماعی ← میل به ارتقاء ← نارضایتی (رفیع پور. ۱۳۷۷: ۳۷۳)
- ۳۹- مدرنیزاسیون ← تقدیر گرایی ← مقایسه اجتماعی ← نارضایتی (رفیع پور. ۱۳۷۷ : ۴ - ۷۳)

ارزیابی پیشینه:

با وجود رویکردهای نظری متنوعی که نسبت به مفهوم «رضایت از زندگی» وجود دارد، به نظر دو رویکرد عمده وجود دارد.

الف: نگاه به « رضایت از زندگی » به مثابه یک سازه

ب: نگاه به « رضایت از زندگی » به مثابه یک متغیر بسیط

الف: نگاه به « رضایت از زندگی » به مثابه یک سازه: در این نگاه رضایت از زندگی سازه‌ای است که دارای ابعادی چند است، هر چند در ذیل این رویکرد نیز تنوعی حاکم است.

الف-۱: در برخی کارهای انجام شده ابعاد رضایت از زندگی عبارتند از: رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از مسکن، رضایت از شغل و رضایت از تندرستی. (نایی، ۱۳۷۵: ۲۰)

الف-۲: در اثری دیگر ابعاد رضایت از زندگی عبارتند از: رضایت از خود، رضایت از دوستان، رضایت از خانواده، رضایت در محیط زندگی، رضایت از محیط کار - که در آن تحقیق خاص که مربوط به دانش آموزان است، مدرسه است. (عظیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۶) همچنانکه ملاحظه می‌گردد در این دو پژوهش ابعاد رضایت از زندگی از جنس رضایت است.

الف-۳: در اثری دیگری ابعاد رضایت از زندگی از جنس غیر رضایت است: مثلاً عبارت است از رغبت به زندگی، تناسب میان اهداف دست‌یافته و آرزوها، شاد و مثبت‌بین بودن، ثبات قدم و شکیبایی و تصور از خود به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی. (Adam, ۱۹۶۹: ۴۷۰) به نظر ما در نظر گرفتن ابعاد مذکور برای رضایت از زندگی قابل تردید است زیرا قائل شدن به ابعادی برای یک متغیر و بیان تعداد آن ابعاد بر اساس مفاهیم نظری و تئوریک امکان‌پذیر است و تقسیم‌بندی‌های آماری نمی‌تواند مبنای درستی برای آن باشد در واقع آمار در اینجا فقط راهنما است، ولی در اثر تحقیقی اخیر مبنای این ابعاد یک تحلیل عاملی است.

علاوه بر این بین ابعاد یک سازه باید رابطه منطقی وجود داشته باشد و هر بعد مکمل دیگری باشد. به نظر ما آنچه در اثر اخیر به عنوان ابعاد این سازه ذکر می‌گردد تنها در یک مورد قابل پذیرش است و در سایر موارد جزء متغیرهای پیش‌بینی‌کننده آن محسوب می‌گردد. نه اجزای آن (تناسب میان اهداف دست‌یافته و آرزوها، شاد و مثبت‌بین بودن، ثبات قدم و شکیبایی و تصور از خود به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی). البته به نظر می‌رسد مفهوم رضایت از زندگی در زمره معدود مفاهیمی باشد که بین ابعاد متغیر و عوامل تشکیل‌دهنده آن، یا به عبارتی بین چیستی و چگونگی پیدایش خلط روی می‌دهد. که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

الف ۴- اثر پژوهشی دیگر متعلق به Ryan و همکارانش است. در پژوهش مذکور به رابطه بین رضایت از زندگی و دنیا گرایی می‌پردازد که شرح آن به تفصیل ذکر شده است. در مقاله مذکور به ابعادی همچون اسکان، زندگی خانوادگی، شغل، سلامتی و ... اشاره شده است. (Ryan Lisa & Dziurawiec, Suzanne. ۲۰۰۱:۱۹۱-۱۹۳)

ب: نگاه به رضایت از زندگی به مثابه یک متغیر بسیط

در این نگاه «رضایت از زندگی» فاقد ابعاد است و اگر در تحقیقات از گویه‌های متعددی برای سنجش آن استفاده شده قصد محقق ارتقاء سطح سنجش آن از ترتیبی به فاصله‌ای بوده است، هر چند در بسیاری از تحقیقات برای سنجش از یک گویه استفاده شده است:

ب-۱: در یک اثر تحقیقی برای سنجش رضایت از زندگی مستقیماً از خود فرد خواسته می‌شود که میزان رضایت از زندگی خود را در قالب یک طیف چند گزینه‌ای لیکرت علامت بزند « آیا بطور کلی از زندگی خود راضی هستید؟ » (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۵۹)

چنانکه مشاهده می‌شود محقق در اینجا برای سنجش رضایت از زندگی خود واژه رضایت از زندگی را به کار می‌برد. گرچه اینگونه گویه‌سازی غالباً امری نارواست به ویژه اینکه بخواهیم در تعریف یک واژه از خود آن واژه بهره بگیریم. ولی بنظر می‌رسد در مورد متغیر رضایت از زندگی به علت عام و گویا و کلی بودن مفهوم آن، بهتر از هر روش به کار بردن آن خود آن واژه است. در موارد دیگری نیز این رویه ملاحظه شده است.

مثلاً در اثر پژوهشی رونالد اینگلهارت گرچه رضایت فرد از کل زندگی را بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی و مانند آنها می‌داند. (اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۳، ترجمه مریم وتر، ۲۴۷) اما در آنجا هم همچنان که ملاحظه شد مانند مورد قبل در گویه‌سازی هیچ تعریفی را از رضایت رساتر از آن نمی‌دانند که از خود واژه رضایت استفاده نمایند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳. ترجمه مریم وتر: ۲۴۸-۲۴۷)

تحقیق دیگری که رویکرد آن شبیه رویکرد منتخب ما است کار تحقیقی (Dish & etal. ۲۰۰۰: ۵۳) در سنجش خوشبختی ذهنی^{۲۰} است. در این اثر محقق هیچ تعریف خاصی را برای خوشبختی ذهنی ارائه نمی‌کند تا پاسخگو از یک گستره وسیع و کلی به ارزیابی میزان خوشبختی خود بپردازد... در این تحقیق رضایت شخصی از طریق یک گویه - در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت - آورده شده و از پاسخگویان پرسیده شده که « شما به عنوان یک شخص چقدر از خودتان رضایت دارید؟ »

در نمونه‌های دیگر از پژوهش‌های انجام پذیرفته برای سنجش رضایت از زندگی از پنج معرف و گویه که در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت است، استفاده نموده است. برخی از این گزینه‌ها عبارتند از:

- من در زندگیم خوشنودم.

- چنانچه قرار باشد به زندگیم ادامه دهم هیچ چیزی را تغییر نخواهم داد.

دسته‌های پاسخ از بسیار مخالف تا بسیار موافق است و همسازی درونی برای این طیف ۸۴٪ بود.

(David Lacland. ۲۰۰۱: ۳۲۲ & ۳۲۴)

در اینجا نیز آنچه مشخص است این است که اولاً محقق «رضایت از زندگی» را فاقد ابعاد می‌دانسته و ثانیاً در تعریف آن از خود واژه رضایت از زندگی^{۲۱} استفاده کرده است.

در یک اثر تحقیقی دیگر برای اندازه‌گیری^{۲۲} SWb سعادتهای ذهنی - که بر اساس تحقیق (Mcintosh. ۲۰۰۱: ۴۲) دارای همبستگی خوبی با SWLS یا طیف رضایت از زندگی است - از تکنیکی استفاده شده که آن هم مؤید آن است که در نظر محقق رضایت از زندگی فاقد بعد خاصی است. جهت فهم بهتر مناسب می‌رسد که مروری نیز بر تکنیک مورد استفاده که استفاده از طیف SAS^{۲۳} یا تلاش در جهت معرفی خود داشته باشیم.

ابتدا از پاسخگویان خواسته می‌شود که متنی را که بر بهترین و بدترین شرایط زندگی در نظر آنان است، را بنویسند، سپس تصویری از یک سلسله مراتب که در ابتدای آن صفر و در انتهای آن ده است، ارائه می‌گردد. سپس می‌گویند اگر نمره صفر حاکی از بدترین زندگی ممکن برای شما و نمره ده حاکی از بهترین زندگی ممکن برای شما باشد، در وضعیت کنونی جایگاه شما در این سلسله مراتب کجاست؟ (Mcintosh. ۲۰۰۱: ۴۳)

همچنانکه اینجا نیز مشاهده می‌گردد در اینجا وضعیت کنونی زندگی پاسخگو مستقیماً پرسش می‌گردد نه اینکه ابتدا حوزه‌های متفاوت زندگی را تک به تک مورد پرسش قرار دهیم آنگاه به جمع آنها پردازیم. به نظر می‌رسد که کلی بودن و انتزاعی بودن مفهوم زندگی دلیل اصلی آن باشد.

به نظر ما نگاه به رضایت از زندگی به مثابه یک سازه‌ای که دارای ابعادی از جنس رضایت است، نگاهی نارسا است. به نظر می‌رسد کلی بودن مفهوم زندگی و انتزاعی بودن آن رضایت از زندگی را دارای ویژگی منحصر به فردی نموده است. به نظر ما زندگی مساوی مجموع حیطه‌های مانند خانواده، دوستان، اوقات فراغت، محل سکونت و محل اشتغال

« I am satisfied with my life »

Subjective Well -Being
Self-anchoring Scale

و... نیست، حتی اگر حیطه‌های مذکور افزایش یابد. به نظر ما اگرچه حیطه‌های مذکور بخش زیادی از زندگی را تشکیل می‌دهند، اما زندگی چیزی ماورای این حوزه‌ها نیز در خود دارد.

البته مساوی نبودن کل با مجموعه اجزای آن نه تنها در علوم طبیعی، بلکه در علوم انسانی امری غریب نیست. (سروش. عبدالکریم. ۱۳۷۴. اقتباس از صفحه ۲۴ و ۹۹) چه اینکه جامعه نیز اگرچه از انسانها تشکیل یافته است، اما شناخت جامعه و پدیده‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی) قابل تقلیل به شناخت فرد و رفتارهای فردی (روانشناسی) نیست. روانشناسی گشتالت نیز نگاهی مشابه در فهم پدیده‌ها دارد.

شواهد تجربی زیادی نیز بر این مدعی می‌توان یافت: خودکشی که خود حکایت از سطح نازل رضایت از زندگی دارد در مواردی رخ می‌دهد که گاه مجموع رضایت فرد از حوزه‌های رایج پایین نمی‌باشد. مثلاً اندیشمندی که به بن‌بست فکری می‌رسد و احساس پوچی و سرانجام خودکشی می‌کند یا کسی که در یک رابطه عاشقانه ناکام مانده و خودکشی می‌نماید حتی مواردی که به خاطر قبول نشدن در کنکور رخ داده شواهدی هستند که اگر از آنان میزان رضایتشان را از حوزه‌هایی مانند خانواده، دوستان، اوقات فراغت، محیط زندگی، محیط کار و... جویا می‌شدیم، شاید نارضایتی جدی از هیچ یک وجود نداشته باشد و مجموع نمرات رضایت از زندگی‌شان خیلی پایین هم نباشد. به تعبیری دیگر عنوان و منبع این رویکرد مخدوش است.

اساساً این سؤال پیش می‌آید که چنانچه ما قصد اندازه‌گیری رضایت از زندگی را داشته باشیم، چرا باید به طور غیر مستقیم به سنجش و اندازه‌گیری آن مبادرت ورزید؟ یعنی چرا باید ابتدا رضایت فرد را از تک تک حوزه‌های مذکور مطلع شد و آنگاه به جمع جبری آنها (از طریق فرمان Compute) برای شاخص‌سازی مبادرت ورزید؟ آیا بهتر نیست که مستقیماً به پرسش درباره حالات گوناگون فرد پرداخت و پاسخهای گوناگون وی را که حکایت از سطوح متفاوت رضایت از زندگی دارد با هم جمع نمود. به ویژه با توجه به تعریفی که برای رضایت از زندگی ارائه می‌گردد: که رضایت کلی فرد از زندگی است (Cameron N. McIntosh. ۲۰۰۱:۳۷) این رویکرد مناسبتر به نظر می‌رسد. یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به بحث ما مفهوم کیفیت زندگی^{۳۴} است. کیفیت زندگی مفهومی عینی‌تر است که حاصل رضایت فرد از ابعاد مختلف زندگی است.

در یک اثر پژوهشی برای کیفیت زندگی هجده حوزه گوناگون در نظر گرفته شده است که برخی عبارتند از آلودگی، هزینه زندگی، وضعیت آب‌وهوا، سهولت رفتن به سر کار، روابط با همسایگان، فضای سبز و پارکها، امکانات اوقات

فراغت، نرخ جرم، وضعیت ترافیک، آموزش همگانی، آلودگی صوتی، فرصت‌های شغلی، شرایط سکونت، تسهیلات ورزش و دسترسی به حمل و نقل عمومی.

در واقع کیفیت زندگی تابعی از جمع جبری میزان رضایت در حوزه‌های مذکور است.

$$Q=F(Q_1, Q_2, \dots, Q_n) \text{ (Turksever \& etal. ۲۰۰۱: ۱۸۸)}$$

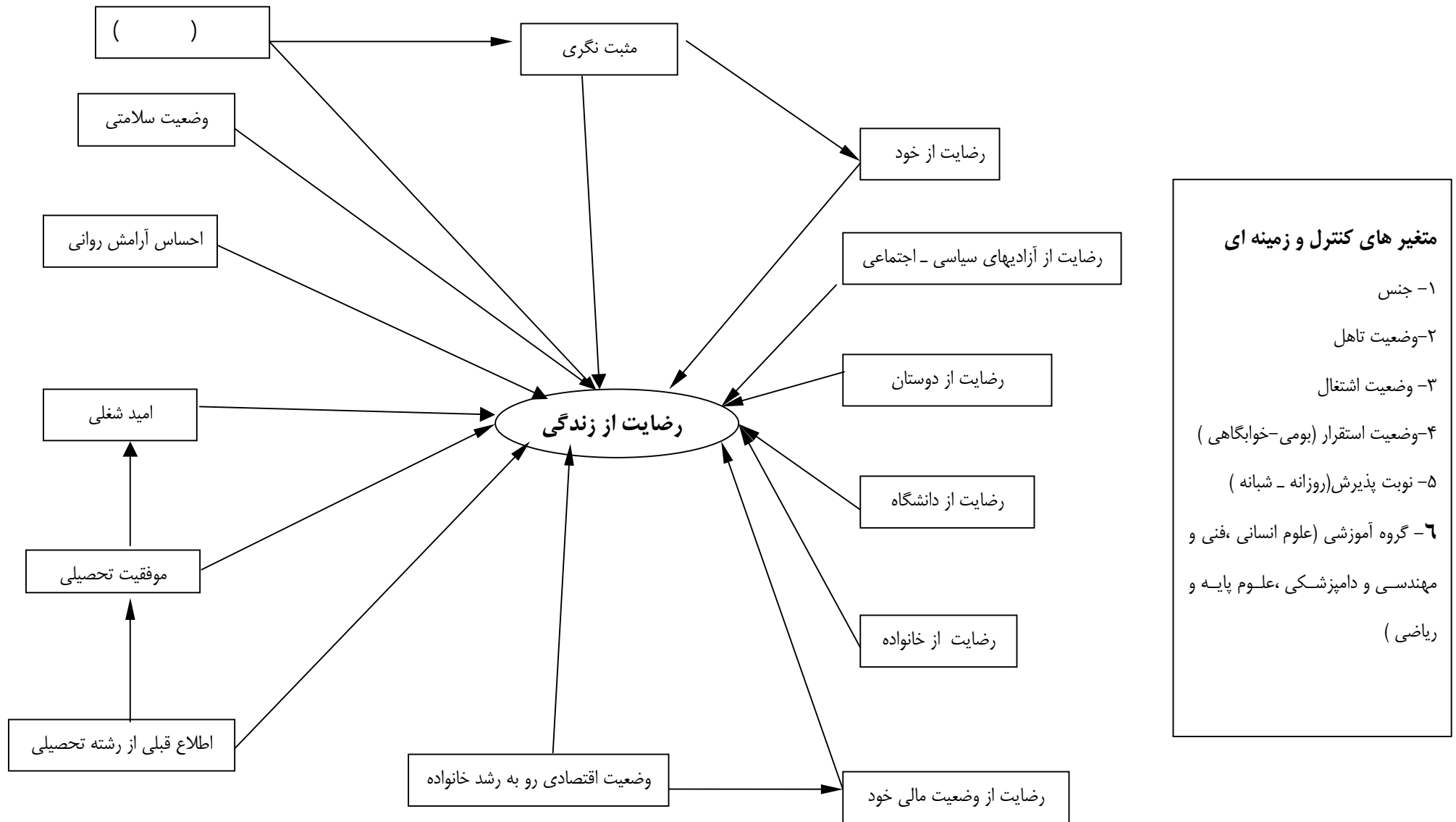
چنانکه ملاحظه می‌شود برخی حوزه‌ها در کیفیت زندگی و رضایت از زندگی مشابه هستند: مانند روابط با همسایگان، محیط کار، اوقات فراغت و شرایط سکونت.

پرسش قابل طرح این است که چرا برای سنجش کیفیت زندگی به جمع جبری رضایت از حوزه‌های مختلف پرداخته می‌گردد؛ ولی در سنجش رضایت از زندگی فعلی فرد میزان رضایت فرد را بر اساس حالات و احساسات مختلفی که در حال حاضر دارد، مستقیماً مورد سؤال قرار می‌دهیم؟ بنظر ما پاسخ در انتزاعی بودن مفهوم رضایت از زندگی و تلقی از آن است. در حالیکه کیفیت زندگی مفهومی عینی‌تر بنظر می‌رسد، در سنجش رضایت از زندگی دآوری را به کنشگر واگذار می‌نماییم.^{۲۵}

البته در مقاله مذکور با اصطلاح "کیفیت زندگی" یا «quality of life» برمیخوریم که محقق توضیح روشنی درباره آنها ارائه نمی‌کند. ولی

بنظر می‌رسد که دارای دو بعد است: یک بعد به حوزه زندگی مادی بازمی‌گردد و مشتمل بر کالاها، خدمات و دیگر جاذبه‌هایی است که در ارتباط با محیط فیزیکی و اجتماعی است و مربوط به قلمرو جغرافیایی مردم آنجاست و دیگری به حوزه زندگی شخصی مردم آنجا مرتبط است.

مدل شماره ۱ : مدل تحلیلی پژوهش



براساس عنوان پژوهش و مدل تحقیقی فرضیات این پژوهش به شرح ذیل است.

- ۱- بعد عاطفی دینداری در مثبت نگری تاثیر مثبت دارد.
- ۲- بعد عاطفی دینداری در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۳- مثبت نگری در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۴- مثبت نگری در رضایت از خود تاثیر مثبت دارد.
- ۵- رضایت از خود در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۶- رضایت از آزادیهای سیاسی - اجتماعی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۷- وضعیت سلامتی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۸- رضایت از دانشگاه در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۹- رضایت از خانواده در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۰- رضایت از دوستان در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۱- رضایت از وضعیت مالی خود در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۲- وضعیت اقتصادی رو به رشد خانواده در رضایت از وضعیت مالی فرد تاثیر مثبت دارد.
- ۱۳- وضعیت اقتصادی رو به رشد خانواده در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۴- اطلاع قبلی از رشته تحصیلی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۵- اطلاع قبلی از رشته تحصیلی در موفقیت تحصیلی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۶- موفقیت تحصیلی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۷- موفقیت تحصیلی در امید شغلی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۸- امید شغلی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۱۹- آرامش روانی در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.
- ۲۰- جنسیت در رضایت از زندگی تاثیر مثبت دارد.